



مصحف امام علي (ع)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصحف امام علی علیه السلام

نویسنده:

محمد علی ایازی

ناشر چاپی:

فرهنگ کوثر

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	مصحف امام علی علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	مصحف چیست
۸	مصحف امام علی
۸	راویان مصحف امام علی
۹	مصحف امام علی در منابع شیعه
۹	مصحف امام علی در منابع اهل سنت
۱۰	ناقدان سنی مصحف امام علی
۱۰	دیدگاه مورخان و مفسران درباره مصحف امام علی
۱۲	چگونگی مصحف امام علی
۱۳	ویژگی‌های مصحف امام علی
۱۴	محتوای مصحف امام علی
۱۵	مصحف امام علی و دیگر مصحف‌ها
۱۵	سرنوشت مصحف‌ها
۱۶	مصحف امام علی و مصحف فاطمه
۱۷	ویژگی‌های مصحف امام علی
۱۷	کتاب علی
۱۷	ویژگی‌های کتاب امام علی
۱۹	نسبت میان صحیفه و کتاب امام علی
۲۰	نسبت میان کتاب و مصحف امام علی
۲۱	چگونگی نگارش مصحف امام علی

۲۲	مدت گردآوری مصحف امام علی
۲۲	همکاران امام علی در کار گردآوری
۲۳	سرنوشت مصحف امام علی
۲۴	در جستجوی مصحف امام علی
۲۵	مصحف‌های منسوب به امام علی
۲۶	شبهه‌ها و اشکال‌ها
۲۸	پاورقی
۳۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

مصحف امام علی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: ایازی، سیدمحمدعلی، ۱۳۳۳ -

عنوان و نام پدیدآور: مصحف امام علی (ع) / Mos-haf-e Emam Ali / محمدعلی ایازی.

مشخصات نشر: تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری: ۲۴۷، [۱۲] ص: نمونه.

فروست: دین = Religion.

شابک: ۳۶۰۰۰ ریال ۱-۲۷۷-۴۲۲-۹۶۴-۹۷۸

یادداشت: پشت جلد به انگلیسی: Moshaf'e Emam Ali.

یادداشت: چاپ دوم.

یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۴۰] - ۲۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

یادداشت: نمایه.

موضوع: مصحف علی (ع)

موضوع: قرآن -- جمع و گردآوری

شناسه افزوده: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۸۶ ۶۹ الف/BP۷۲/۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۹

شماره کتابشناسی ملی: ۱۳۰۰۴۹۲

مقدمه

از بحث‌انگیزترین موضوعات تاریخ قرآن، بحث درباره مصحف امام علی (ع) است. این موضوع از چند جهت مورد بحث و گفت‌وگو است؛ از جهتی بحث درباره گردآوری قرآن و آغاز تدوین این کتاب آسمانی و از جهتی، تاریخچه تفسیر و علوم قرآنی. پژوهش‌گران بسیاری می‌خواهند بدانند که مصحف امام چه بوده و آیا چنین کتابی وجود خارجی داشته و علی (ع) نخستین گردآورنده قرآن بوده است. دیگر آن‌که آیا این کتاب تنها نسخه‌ای از قرآن بوده است یا چیزی مفصل‌تر از قرآن، و اگر تنها قرآن بوده است، به چه ترتیبی و کیفیتی. آنان برآنند تا بدانند که مصحف علی (ع) به ترتیب نزول گردآوری و تنظیم شده است یا کسی این مصحف را ندیده و تنها گزارشی را نقل کرده است. پرسش دیگر درباره استناد به روایات مصحف است که آیا چنین روایاتی تنها در منابع شیعه آمده‌اند یا در منابع اهل سنت نیز نقل شده‌اند. پرسش‌های دیگری نیز هست که آیا میان کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) تفاوتی هست و یا این دو، مجموعه‌ای یگانه را تشکیل می‌دهند؛ حدود دلالت و جایگاه نقل این روایات کجا است و از آن مهم‌تر، ویژگی‌های این مصحف بنابر همین دسته از اخبار چیست.

از آن‌جا که خلفای سه گانه مصحف علی (ع) را نپذیرفته‌اند و این کتاب هم‌اینک در دسترس نیست، گروهی قائل به تحریف قرآن شده‌اند. همین امر، جنجال‌هایی را درباره چگونگی محتوای مصحف پدید آورده و مباحث کلامی ویژه‌ای را پی‌ریخته و شبهه‌هایی را درباره اصل مسئله و چگونگی آن مطرح ساخته است. پژوهش درباره چگونگی این مصحف و پاسخ دادن به شبهه‌ها برای روشن

شدن واقعیت بسیار سودمند است.

در آغاز این بحث می‌کوشیم واژه «مصحف» و پیشینه به‌کارگیری آن را در روزگار پیش از اسلام و پس از اسلام توضیح دهیم و آن‌گاه چگونگی استعمال این واژه را در روایات بررسی کنیم. سپس می‌کوشیم استنادات تاریخی و حدیثی مصحف را در منابع شیعی و سنی نشان دهیم و دیدگاه ناقدان و قرآن‌پژوهان را بازگویم و به پژوهش نهیم. اما بی‌گمان، مهم‌ترین بخش پژوهش در آن‌جا است که ویژگی‌های مصحف و جلوه درونی و برونی‌اش را به بحث می‌گذاریم. همچنین، بایسته می‌نماید مقایسه‌ای میان مصحف امام و مصحف حضرت فاطمه (س) صورت پذیرد و تفاوت‌های جوهری آن‌ها شرح داده شود. در بخشی دیگر به ویژگی‌های مصحف امام علی (ع) پرداخته‌ایم. در این بخش، افزون بر ارزیابی روایات و استنادات، به شرح واژگان و روایات و تفسیر جمله‌های رسیده درباره ویژگی‌های مصحف - به‌ویژه در مبحث ترتیب نزول - نیازمندیم. در بخشی دیگر از پژوهش خویش، کتاب علی (ع) و مصحف علی (ع) را با یکدیگر مقایسه کرده‌ایم. از آن‌جا که روایاتی بسیار درباره کتاب علی (ع) در منابع شیعه و سنی به چشم می‌آید، ویژگی‌های این کتاب را برشمرده‌ایم و این مسئله را مطرح ساخته‌ایم که آیا می‌توان مصحف علی (ع) را همان کتاب علی (ع) پنداشت. سرانجام، پایان‌بخش پژوهش حاضر را به طرح شبهه‌ها و پاسخ‌ها اختصاص داده‌ایم.

مصحف چیست

خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ ق) می‌گوید: «مصحف را بدان رو مصحف گویند که جامع نوشته‌های میان دو جلد است.» [۱] معمولاً مصحف از چند صحیفه و صحف سامان می‌یابد. [۲] نکته‌ای که بیش‌تر لغت‌پژوهان بر آن پای فشرده‌اند و آن را بر قید «جامعیت» افزوده‌اند، مکتوب بودن میان دو جلد است. تفاوت صحف و مصحف در این است که صحف عبارت از ورق‌ها و لوح‌هایی است که وقتی می‌خواهند آن‌ها را به یکدیگر پیوند زنند و مجموعه‌ای یگانه پدید آورند، میان دو لوح یا دو جلد می‌گذارند. از این روی گفته‌اند: المصحف هو الجامع للمصحف المكتوبه بین الدفتین؛ «مصحف، مجموعه صحف مکتوب میان دو جلد را گویند.»

بنابراین، جای دادن قرآن در مصحف، بدین معنا است که اولاً آن را از حالت پراکندگی در آورده‌اند و ثانیاً میان دو جلد گذاشته‌اند. تفاوت میان قرآن و مصحف در همین است.

مصحف امام علی

پیش از هر چیز باید اطمینان یابیم که آیا چنین مصحفی وجود خارجی داشته است یا نه. برای این کار به گزارش مصادر و رجال نخستین حدیث، تاریخ و سیره نیازمندیم تا روشن سازیم چنین کتابی در دوران نخستین مطرح بوده و کتاب‌ها نیز از آن سخن گفته‌اند. در این‌جا در دو بخش به پژوهش می‌پردازیم و درباره روایان و مؤلفان شیعه و سنی سخن می‌گوییم.

روایان مصحف امام علی

روایانی که از وجود مصحف امام علی (ع) به صراحت سخن گفته‌اند و یا از موضوع گردآوری قرآن به دست حضرت یاد کرده‌اند، عبارتند از:

۱. سلیم بن قیس هلالی (م ۷۶ ق) در احادیث چهارم، دهم، یازدهم، دوازدهم و چهل و دوم کتاب، به اصل مصحف امام علی (ع) و ویژگی‌هایش اشاره کرده است. [۳] گفتار سلیم درباره مصحف، به آن‌چه دیگران گزارش داده‌اند بسیار نزدیک است و از این رو در نقل وجود موضوع، با آن‌ها هماهنگ است. از سوی دیگر، سلیم این خبر را از چند صحابی پیامبر و یاران نزدیک امام علی (ع)

نقل کرده است؛ مانند ابوذر غفاری (م ۳۲ ق)، سلمان فارسی (م ۳۴ ق)، و ابن عباس (م ۶۸ ق).

۲. ابن عباس نیز از روایانی است که مستقلانه درباره مصحف سخن گفته است. به عنوان نمونه نقل است: قال ابن عباس: فجمع الله القرآن فی قلب علی و جمعه علی بعد فوت رسول الله بسنة اشهر؛ [۴] «خداوند قرآن را در قلب علی بر نشاند و علی پس از پیامبر خدا، در شش ماه آن را گرد آورد.»

مصنف امام علی در منابع شیعه

گفتیم در بخشی از منابع و مصادر شیعی، از مصحف امام آشکارا سخن رفته است؛ گرچه از کتاب‌های معتبر چهارگانه شیعه، تنها الکافی از آن یاد کرده و شرحی مختصر آورده و درباره‌اش از امام صادق (ع) حدیث نقل کرده است. چنین گزارش‌هایی در دیگر کتاب‌های آن روزگار، کم و بیش به چشم می‌آیند که گاه در ضمن گفته و کلامی مربوط به رویدادهای عصر رسالت یا مربوط به کیفیت جمع قرآن آمده‌اند. به عنوان نمونه، شیخ صدوق در کتاب التوحید از جابر بن یزید جعفی (م ۱۲۷ ق)، که از یاران امام باقر و صادق (ع) است، از امام باقر (ع) حدیثی درباره توحید و نفی تشبیه نقل می‌کند و زمان خطبه را معین کرده، می‌گوید: فی خطبه خطبها بعد موت النبی بسبعة ايام و ذلك حين فرغ من جمع القرآن. [۵].

سلیم بن قیس هلالی در چندین روایت از مصحف نام برده و از آن‌جا که او از اصحاب نخستین امامان به شمار می‌رود، سخن گفتن او از مصحف امام شایسته توجه و تأمل است. در کتاب سلیم این گزارش‌ها در حدیث چهارم (ج ۲، ص ۵۸۱)، یازدهم (ج ۲، ص ۶۵۹ و ۶۵۶)، دوازدهم (ج ۲، ص ۶۶۵) و چهل‌وهشتم (ج ۲، ص ۸۶۲) آمده است.

مصنف امام علی در منابع اهل سنت

خبر مصحف امام علی از اموری است که در منابع گوناگون اهل سنت نقل شده و با آن‌که بخش‌هایی از آن مورد بحث و تأمل بوده، باز در این کتاب‌ها منعکس شده است. در مواردی اهل سنت در قبول آن واکنش نشان داده و یا چون گمان کرده‌اند پذیرفتن این مصحف مشکلاتی تاریخی و اعتقادی به وجود می‌آورد، به توجیه و تفسیر این پدیده پرداخته‌اند؛ در حالی که نفس انعکاس این گزارش‌ها در منابع اولیه و قبول اصل آن در برخی منابع، حاکی از واقعیت و اصالت داشتن آن در تاریخ بوده است. اکنون به شماری از این مؤلفین و روایان اشاره می‌گردد:

۱. مقاتل بن سلیمان بلخی (م ۱۵۰) در تفسیرش که از نخستین تفاسیر اجتهادی و در حد خود بسیار مفصل می‌باشد، از کسانی است که به‌طور ضمنی به مصحف امام علی اشاره می‌کند. [۶].

۲. محمد بن سعد زهری (م ۲۳۰) وی از نخستین تاریخ‌نویسانی است که به مصحف حضرت اشاره می‌کند. خوشبختانه اثر او باقی مانده است. ابن سعد در این کتاب تنها یک خبر، و آن هم از طریق اسماعیل بن ابراهیم، از ایوب و ابن عون، از محمد بن سیرین، درباره مصحف امام می‌آورد. [۷].

۳. محمد بن ایوب بن ضریس، معروف به ابن ضریس (م ۲۹۴) که مسئله نخستین گردآورنده و سوگند امام علی برای خانه نشستن را از ابن سیرین و عکرمه نقل کرده است. [۸].

۴. ابن ابی داوود سجستانی (م ۳۱۶) در کتاب المصاحف از کسانی است که خبر را آورده و آن را نقد کرده و از آن‌جا که مسئله نخستین گردآورنده برای وی و عده‌ای دیگر، چون ابن کثیر (م ۷۷۴) و ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲) بسیار مهم بوده، به نقد و توجیه این روایت پرداخته‌اند.

۵. محمد بن عبدالله بن اشته، معروف به ابن اشته (م ۳۶۰) یکی دیگر از کسانی است که مصحف امام را از طریق دیگری، به جز

طریق سجستانی، نقل و حتی برای آن خصوصیات ذکر می‌کند. [۹].

۶. ابن ندیم (م ۳۸۰) در کتاب الفهرست با طریق دیگری خبر از مصحف امام می‌دهد. وی این روایت را از احمد بن جعفر بن محمد منادی (م ۳۳۲) از طریق خودش نقل می‌کند. [۱۰].

ناقدان سنی مصحف امام علی

گروهی از قرآن‌پژوهان و حدیث‌شناسان از اهل سنت، اخبار مصحف علی (ع) را دارای اشکالاتی دانسته‌اند و به همین دلیل وجود آن‌ها را منکر شده‌اند و اخبار رسیده را به گونه‌ای تفسیر و توجیه کرده‌اند. اشکالات یاد شده به شرح زیرند:

۱. روایات مصحف امام با روایاتی دیگر ناسازگارند؛ روایاتی می‌گویند: نخستین گردآورنده قرآن ابوبکر است. از قضا، برخی از همین روایات، از امام علی (ع) و از طریق راویانی نقل شده‌اند که روایات مصحف امام را نقل کرده‌اند.

۲. روایات ابن سیرین از امام علی (ع) محل مناقشه است؛ زیرا طریق ابن سیرین به امام علی (ع) منقطع است. [۱۱] محمد بن سیرین متولد سال ۳۳ و متوفای سال ۱۱۰ قمری است، در حالی که امام علی (ع) در سال چهل قمری به شهادت رسیده است. از این رو، هنگام شهادت آن حضرت، ابن سیرین هفت ساله بوده و نمی‌توانسته بی‌واسطه از امام خبر نقل کند. از سویی دیگر، واسطه خبر نیز نامشخص است. ابن حجر در فتح‌الباری در شرح صحیح بخاری، این اشکال را مطرح ساخته است. [۱۲] کسانی دیگر نیز به این اشکال اشاره کرده‌اند؛ مثلاً سیوطی بی‌آن که اظهار نظر کند، اشکال را از او نقل کرده است. [۱۳] اما این اشکال در صورتی وارد است که خبر ابن سیرین منحصر به همین طریق باشد؛ در صورتی که ابن ضریس، از نصر بن شَمیل به نقل از عوف از ابن سیرین از عکرمة، دو خبر را نقل کرده و هر دو خبر درباره گردآوری و کیفیت تنظیم مصحف امام است. [۱۴] در این صورت، واسطه میان ابن سیرین و امام، عکرمة است و خبر از انقطاع درمی‌آید. عکرمة بربری، مولای عباس، از کسانی است که حضرت را به خوبی درک کرده و در شمار خوارج بوده است.

۳. بر فرض که مشکل انقطاع حل شود، طریق خبر دارای مشکل است؛ زیرا اشعث بن سوار کندی از محمد بن سیرین نقل می‌کند و اشعث «لین الحدیث» است؛ یعنی کسی است که در نقل خبر از دیگران تساهل می‌کند. [۱۵].

دیدگاه مورخان و مفسران درباره مصحف امام علی

آنچه تا کنون بیان شد، نقل روایات در منابع اهل سنت و شیعه بود و نقل، اعم از پذیرش و قبول است، ولی برخی از محدثان اهل سنت به نقد این روایات برآمده‌اند یا کسانی مانند سلیم بن قیس و طبرسی و ابن شهر آشوب، از موضع قبول و دفاع به نقل این اخبار پرداخته‌اند؛ اما در این نوشته‌ها، کم‌تر تحلیلی مستقل از روایات انجام گرفته است. کسانی دیگر نیز هستند که به نقل مستندات تاریخی بسنده نکرده و به تحلیل آن‌ها پرداخته‌اند. یعقوبی (م ۲۹۲ ق) از این کسان است که به تفصیل درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده و با بیانی ویژه درباره چگونگی مصحف سخن گفته و از ترتیب خاص سوره‌ها گزارش داده است؛ بی‌آن که منابع گفتار خویش را برشمارد. از آن‌جا که وی از نخستین کسانی است که درباره مصحف نظریه‌ای مطرح ساخته و با شرحی گسترده آن را وصف کرده است، نوشته‌های او از نظر تاریخی بسیار مهم و شایسته توجه به نظر می‌رسند؛ هر چند مطالب او جای نقد و تأمل بسیار است. او در گزارش خویش می‌نویسد:

برخی روایت کرده‌اند که علی بن ابی طالب، پس از وفات پیامبر خدا، آن را فراهم ساخته و بر شتری نهاده و پیش جمعیت آورده و گفته است: «هذا قرآن قد جمعته؛ «این قرآنی است که من گردآورده‌ام.» حضرت آن را به هفت جزء و بخش تقسیم کرده بود. برخی گفته‌اند که علی گفته است: «قرآن بر چهار بخش نازل شده است.»

از نکته‌های دیگر، توضیحات یعقوبی و نامگذاری وی بر سوره‌ها است که با گزارش دیگران متفاوت است؛ مثلاً سوره قصص را به نام سوره «موسی و فرعون» و سوره جاثیه را به نام سوره «زُمر شریعت» وصف کرده است، یا در بسیاری از موارد نام سوره را با آیه نخست آن آورده؛ مانند سوره «أنا اعطیناک الکوثر»، سوره «أنا ارسلنا نوحاً» و سوره «قل اوحی الیّ». [۳۱].

یکی دیگر از کسانی که به مصحف امام در چند جا اشاره کرده است، شیخ مفید، محمد بن محمد بن نعمان بغدادی (م ۴۱۳ ق) است. او در کتاب اوائل المقالات، به مناسبت نقد قائلین به تحریف و این که از قرآن کنونی هرگز کلمه، آیه و سوره‌ای حذف نشده است، اصل وجود مصحف و شیوه مطالب آن را پذیرفته و تنها از این رو که برخی گمان کرده‌اند پذیرش وجود مصحف، اعتراف به تحریف قرآن است، توضیح می‌دهد که مطالب گرد آمده در مصحف، در تفسیر و تأویل قرآن و متکی بر وحی است، اما نص قرآنی نیست. [۱۷] همچنین در کتاب مسائل السرویه می‌نویسد:

بی‌گمان، امیرمؤمنان قرآن نازل شده را از آغاز تا فرجام گرد آورده و بر طبق ترتیب نخستین تألیف کرده است؛ سوره‌های مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم داشته و هر آیه و سوره‌ای را در جای خویش برنهاده است. از این رو، امام جعفر بن محمد صادق (ع) فرموده است: «به خدا سوگند، اگر قرآن، چونان که نازل شده بود خوانده می‌شد، بی‌گمان نام ما را در آن می‌یافتید؛ همان گونه که نام پیشینیان ما در آن یافت می‌شد.» [۱۸].

این سخن نیز آشکار می‌سازد که در دیدگاه شیخ مفید، وجود مصحف امام مسلم بوده است. درباره دیدگاه شیخ مفید در باب ترتیب مصحف به ترتیب نزول یا عدم آن، پس از این سخن خواهیم گفت.

محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ ق) در مقدمه تفسیر مفاتیح الاسرار، آنان را که مصحف امام علی (ع) را به کنار نهادند، با لحنی بازخواست کننده، مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌نویسد:

چگونه آنان گردآوری علی بن ابی‌طالب را مطالبه نکردند؟ آیا زید بن ثابت بهتر می‌توانست بنویسد؟ آیا سعید بن عاص ادیب‌تر و به فنون و قواعد عرب آشناتر بود یا علی؟ آیا آنان به پیامبر خدا نزدیک‌تر بودند یا ایشان؟ آری، همه آنان کار علی (ع) را وانهادند و مصحفش را به کنار گذاردند و فراموشش کردند، در حالی که چون از تجهیز و تدفین و نماز بر رسول‌خدا فارغ شد، سوگند یاد کرد که عباى خویش را جز برای نماز جمعه بر دوش نیندازد مگر آن که قرآن را گرد آورد. بی‌گمان، او مأمور این کار بود. قرآن را گرد آورد؛ چونان که نازل شده بود، بی‌تحریف و تبدیل و کم و زیاد. پیامبر گرامی همواره او را از موضع آیات و سوره‌ها آگاه کرده بود و جایگاه و تقدم و تأخر آن‌ها را نشان داده بود.

ابوحاتم رازی [م ۳۲۷ ق] در وصف مصحف امام علی گفته است که او هر آیه‌ای را در کنار آیات مشابهش برنهاده بود. برخی دیگر گفته‌اند که در مصحف امام علی، مطالب در دو بخش متن و حواشی بوده است؛ در متن قرآن کریم بوده است و در حاشیه مصحف، مباحث مربوط به آیه. [۱۹].

در میان نویسندگان و مفسران پیشین، کم‌تر کسی مانند شهرستانی به تفصیل از این موضوع سخن گفته و به ترتیب مصحف پرداخته است. چنان که گفته آمد، گزارش وی تنها نقل روایت نیست، بلکه وصف و تحلیل و نقد است. ابن ابی‌الحدید (م ۶۵۵ ق) در شرح نهج البلاغه نیز چنین کرده است. او در آغاز کتاب، به مناسبت ذکر فضایل امیرمؤمنان (ع)، به مسئله گردآوری قرآن اشاره می‌کند و این که علی (ع) نخستین کسی است که پس از پیامبر بدین کار پرداخته است. او می‌نویسد:

همه بر این باورند که علی (ع) قرآن را در زمان پیامبر از بر کرده و کسی دیگر جز او چنین نکرده بود و او نخستین کسی بوده که قرآن را گرد آورده است. گفته‌اند که او در بیعت با ابوبکر تأخیر ورزیده است، و اهل حدیث معتقدند این که شیعیان می‌گویند نشستن او در خانه برای دوری از بیعت بوده است، درست نیست، بلکه برای اشتغال به گردآوری قرآن بوده است و این دلیل بر آن است که او نخستین گردآورنده قرآن است. [۲۰].

ابن ابی‌الحدید به مناسبت ذکر حوادث پس از پیامبر، افزون بر این که به گردآوری قرآن در مصحف واحد اشاره می‌کند، به موضوعی می‌پردازد که کم‌تر در متون تاریخی و حدیثی به چشم می‌آید و آن موضوع همکاریان حضرت در گردآوری مصحف است. [۲۱].

یکی دیگر از مفسران اهل سنت که درباره مصحف امام علی (ع) اظهار نظر کرده است، ابن جُزَی کلبی (م ۷۴۱ ق) است. او در مقدمه تفسیر التسهیل لعلوم التنزیل می‌نویسد:

قرآن در عهد رسول‌خدا در صحیفه‌ها و سینه‌های مردم پراکنده بود. چون حضرت وفات کرد، علی بن ابی‌طالب در خانه نشست و قرآن را به ترتیب نزول گرد آورد. اگر مصحف او یافت می‌شد، در آن دانستی‌هایی بسیار می‌توانستیم بیابیم، اما افسوس که یافت نشد. [۲۲].

نکته شایسته توجه در این سخنان آن است که اولاً ابن جُزَی مصحف علی (ع) را نخستین مصحف کامل پس از پیامبر، و علی (ع) را نخستین گردآورنده می‌داند. دیگر آن که او مصحف علی (ع) را به ترتیب نزول می‌داند، اما مدرک سخن خویش را باز نمی‌گوید. سوم آن که مصحف را تنها نسخه‌ای از قرآن نمی‌داند؛ زیرا درباره‌اش می‌گوید: «لکان فیه علم کبیر». مراد از تعبیر «علم کبیر» باید مطالبی دیگر، جز قرآن باشد. سرانجام این که، گفتار او نشان می‌دهد که در عهد ابن جُزَی این مصحف در دسترس نبوده و او تنها بر اساس گزارش‌های متون قدما از آن سخن گفته است.

از میان متأخرین، کسانی بسیار به وصف مصحف امام علی (ع) پرداخته‌اند؛ مانند فیض کاشانی، [۲۳] ابوعبدالله زنجانی، [۲۴] آیت‌الله خویی، [۲۵] علامه عسکری، [۲۶] سید جعفر مرتضی عاملی، [۲۷] ابن خطیب در کتاب الفرقان [۲۸] و ملاحویش آل‌غازی در تفسیر بیان‌المعانی. [۲۹].

در این میان، برخورد متأخرین متفاوت است: برخی با تفصیلی بیش‌تر به موضوع پرداخته‌اند و برخی با اختصار؛ مثلاً جعفر نکونام، کتابی درباره مصحف امام نگاهشته و یا اکرم برکات عاملی، کتابی در حقیقت مصحف فاطمه (س) از دیدگاه شیعه برنوشته و بخشی از کتاب را به مصحف امام علی (ع) اختصاص داده است، و فتح‌الله محمدی در پاسخ به شبهه‌های ناصرعلی قفاری در کتاب اصول مذهب‌الشیعه به دفاع از مصحف امام علی (ع) پرداخته و پذیرفتن این مصحف را مساوی اعتقاد به تحریف ندانسته است. از نگاه دیگر، در میان متأخران، کیفیت و ویژگی‌های مصحف امام علی (ع) و پاسخ به شبهه‌های قائلین به تحریف مهم بوده است؛ مثلاً آیت‌الله خویی در یک جمع‌بندی درباره شبهه‌های قائلین به تحریف می‌نویسد:

تسالم علمای اعلام بر وجود مصحف امام، ما را از اثبات این کتاب بی‌نیاز می‌کند و از این‌رو به بحث درباره این مصحف پای نمی‌نهم. اما این که برخی پنداشته‌اند مصحف مشتمل بر چیزهایی افزون بر قرآن است، به این معنا نیست که آن‌چه افزون است، از قرآن باشد، بلکه زیاداتی تفسیری و بیان تأویلی است. [۳۰].

وی آن‌گاه به تفصیل در تحلیل و تفسیر روایات مصحف امام وارد می‌شود که در ذکر ویژگی‌های مصحف به آن‌ها خواهیم پرداخت.

سید جعفر مرتضی عاملی نیز در آغاز بحث خویش این پرسش را مطرح می‌کند که آیا مصحف امام همان مصحفی است که نزد پیامبر بود و به حضرت وصیت کرد که آن را گرد آورد یا مصحف مستقل دیگری است؛ ثانیاً این مصحف با مصحف کنونی سازگار است یا ناسازگار، و اگر ناسازگار است، ناسازگاری‌اش از چه نوعی است؛ ثالثاً حجم این مصحف چقدر بوده و مصادری که از وجود این مصحف خبر می‌دهند، تا چه حد قابل اعتماد و اعتنایند. او به اشکالات قائلین تحریف می‌پردازد و بدون آن که بخواهد پرسش‌های فوق را پاسخ دهد، ویژگی‌های مصحف امام را بر می‌شمارد. [۳۱].

پیش از این به منابع شیعی و سنی مصحف امام اشاره کردیم و گفتیم این روایات در منابع اصلی شیعه و سنی نیامده‌اند و بیش تر به ضعف سند دچارند. [۳۲] با این همه، شمار روایات یادشده چنان بسیار است که دیگر نمی‌توان در اصل مصحف تردید کرد، و گویی از مجموع آن‌ها بسان اخبار مستفیض اطمینان حاصل می‌گردد. از این رو، بحث سندی را باز نمی‌کنیم و ناگزیر به ویژگی‌های مصحف و چگونگی محتوای آن می‌پردازیم.

نخستین پرسش این است که آیا مصحف امام علی (ع) قرآن بوده یا نه، و اگر قرآن بوده، آیا افزون بر قرآن مطلبی دیگر نیز در خود داشته است. پرسش‌های دیگر این است که تفاوت مصحف امام علی (ع) با سایر مصحف‌های عصر رسالت - مانند مصحف ابی بن کعب و مصحف عبدالله بن مسعود - چه بوده است؛ چه تفاوتی میان مصحف امام با مصحف حضرت فاطمه (س) می‌توان یافت و نسبت میان مصحف امام علی (ع) و کتاب علی (ع) چیست.

ویژگی‌های مصحف امام علی

ویژگی‌های مصحف امام را در گزارش‌های رسیده می‌توان در دو بخش یافت. اول، بخشی است که جنبه اساسی دارد و در حقیقت، ویژگی‌های این مصحف را سامان می‌دهد که در بحث‌های آینده به آن خواهیم پرداخت. اما بخشی نیز مربوط به نشانه‌های ظاهری و در همان حال کارگشا در شناخت سیمای کلی مصحف است.

۱. مصحف امام همه قرآن را در بر داشته است، نه برخی سوره‌ها یا آیه‌ها را؛ برخلاف برخی مصحف‌هایی که صحابه گرد آورده‌اند که گاهی چند مصحف مکمل یکدیگر بوده‌اند. در روایت چهارم سلیم بر این حقیقت تصریح شده و آمده است: فلما جمعه کله ... بعث الیه ابابکر. [۳۳] یا در روایت دیگر آمده است: لم یسقط منه حرف. [۳۴].

۲. از سوی دیگر، اگر مصحف امام پیش از زمان مورد بحث نیز نوشته شده باشد، بار دیگر توسط حضرت کتابت و کامل گشته است. به ظاهر، روایات بر این نکته عنایت داشته‌اند که تأکید شود حضرت کاتب نداشته و خود، به دست خویش، مصحف را نگاشته است. این حقیقت را از چند روایت می‌توان برگرفت. در روایت دهم سلیم آمده است: فکتبه. [۳۵] و در روایت چهارم آمده: و کتبه بیده. و در روایت یازدهم آمده: و خط یدی. [۳۶] در جاهای دیگر نیز این تعبیر آمده است که آن مطالب با املای رسول الله (ص) و خط امیرمؤمنان (ع) بوده است. البته در منابع اهل سنت، نکته مورد نظر، بیش تر بدون صراحت آمده است: فألفه و کتبه. [۳۷].

۳. نکته دیگر، چگونگی گردآوری و نگاشتن است. آیا این گردآوری به صورت اوراق پراکنده بوده یا طوماری در کار بوده است؟ با وضعیت نوشت افزارهای آن روزگار، که هنوز کاغذ در جزیره العرب موجود نبوده و پوست حیوانات قیمتی نیز در اختیار همه نبوده و اگر بوده به شکل کنونی میان دو جلد نبوده، امام مصحف را چگونه نگاشته است؟

روایات با تعبیرهایی گوناگون به این پرسش‌ها پاسخ داده‌اند. بنا بر برخی روایات، جمع‌آوری مصحف در میان دو لوح بوده است: قد جمعته من اللوحین؛ [۳۸] حتی یجمع القرآن بین اللوحین. [۳۹] البته معلوم نیست معنای این دو عبارت متفاوت است یا نقل به معنا و اختلاف در تعبیر است. در روایتی دیگر آمده است که حضرت این مصحف را در پارچه و لباس نگاشته است، [۴۰] در حالی که در جایی دیگر رنگ پارچه نیز مشخص شده است: فجمعه فی ثوب اصفر. [۴۱].

۴. نوع گردآوری، بدیع و ابتکاری و انحصاری بوده است. عکرمه، که از مخالفان حضرت به شمار می‌آید، از این حقیقت سخن گفته است: لو اجتمعت الانس والجن علی ان یؤلفوه ذلك التألیف ما استطاعوا. [۴۲] در روایتی دیگر، همین معنا از طریق شیعه نقل شده و آمده است که ماندش را در جمع و حفظ کسی نیاورده و در این جهت که کسی بتواند شرایط نزول را رعایت کند، کاری

بی نظیر بوده است. [۴۳].

مختوای مصحف امام علی

اگر مستند خبر مصحف امام، روایات جمع قرآن پس از رحلت پیامبر باشد، در آن‌ها به گونه‌ای صریح سخن از جمع قرآن رفته و چنین عبارات‌هایی آمده است: حَتَّى يَجْمَعَ الْقُرْآنَ؛ [۴۴] لا- أَخْرُجَ حَتَّى أَجْمَعَ الْقُرْآنَ؛ [۴۵] ففرغ الی کتاب‌الله و أخذ یجمعه فی مصحف؛ [۴۶] المصحف الذی جمعه امیرالمؤمنین. [۴۷] بنابراین، روشن می‌شود که سخن از کاری در زمینه قرآن بوده است و هر چند در آن روزگار، اصطلاح «مصحف» برای غیر قرآن به کار می‌رفته و یا برای موارد مشترک می‌آمده، در این جا مراد از مصحف، قرآن بوده است. مصحف فاطمه (س) قرآن نبوده و حتی در جرگه کتاب‌های تفسیری نیز قرار نداشته است. بنابراین، نباید مصحف امام را در ردیف مصحف فاطمه (س) قرار داد. چنان‌که توضیح خواهیم داد، امامان می‌کوشیدند که نشان دهند مصحف فاطمه (س) به هیچ رو قرآن نیست تا مبادا این اشتباه به موارد دیگر راه یابد و یا نقل از مصحف فاطمه (س) به عنوان نقل از قرآن تلقی شود.

از سوی دیگر، این که محتوای مصحف، تنها قرآن است و مطالبی جز قرآن در آن نیست، مورد اتفاق مورخان و مفسران است. پیش از این، از شیخ مفید نقل کردیم که درباره مصحف حضرت گفته است: آن‌چه در مصحف حضرت آمده، تأویل و تفسیر معانی و مطالبی است که از کلام‌الله به حساب نمی‌آیند. [۴۸] فیض کاشانی نیز به صراحت در مقدمه ششم تفسیر خود می‌نویسد: «معلوم است که حکم به تعیین ناسخ و منسوخ در آیات از قبیل تفسیر و بیان است، نه این که جزو قرآن باشد.» [۴۹].

ابوعبدالله زنجانی (م ۱۳۱۹ ش) نیز درباره مصحف امام می‌نویسد که این مصحف، مرکب از هفت جزء و حجم آن چنان گسترده بوده که حضرت مجبور شده است برای حمل آن از شتر بهره گیرد. [۵۰] آیت‌الله خویی نیز بر آن رفته است که این مصحف، مشتمل بر زیادت‌ی افزون بر قرآن بوده است، اما روشن است که این، بدان معنا نیست که افزوده‌ها از قرآن باشند، بلکه زیادت‌ی تفسیری و تأویلی بوده‌اند. [۵۱].

ریشه این برداشت در خود روایات است که آشکارا باز می‌نمایند این مصحف، تنها قرآن نبوده است. در روایات سلیم بن قیس آمده است: فَلَمَّا جَمَعَهُ كَلَّهَ وَ كَتَبَهُ بِيَدِهِ تَنْزِيلَهُ وَ تَأْوِيلَهُ وَ النَّاسِخَ مِنْهُ وَ الْمَنْسُوخَ [۵۲ ...] اگر مصحف تنها قرآن است، دیگر کتبه بیده تنزیله و تأویله معنا ندارد، و بی‌گمان توضیح و تفسیر آیه‌ها مراد بوده است تا میان تنزیل و تأویل، و ناسخ و منسوخ تفاوت گذاشته شود؛ به‌ویژه که در ذیل همین خبر آمده است: حضرت اتمام حجت می‌کند که مباد روزی برسد و بگویند علی، کسی که از پیامبر این آیات را آموخته و تأویلشان را برگرفته، چرا ما را در غفلت گذاشته و ناآموخته‌هایمان را باز نگفته است. [۵۳].

در خبری دیگر از سلیم آمده است که حضرت خطاب به عثمان می‌گوید:

إِنَّ كُلَّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ - جَلَّ وَ عَلَا - عَلَى مُحَمَّدٍ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - عِنْدِي بِأَمَلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطَّ يَدِي وَ تَأْوِيلَ كُلِّ آيَةٍ أَنْزَلَهَا اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ كُلِّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ أَوْ حَدٍّ أَوْ حَكْمٍ أَوْ شَيْءٍ تَحْتَاجُ إِلَيْهِ الْأُمَّةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَكْتُوبٌ بِأَمَلَاءِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَطَّ يَدِي حَتَّى أَرَشَ الْخَدَشَ؛ [۵۴] «بی‌گمان هر آیه‌ای که خداوند بر پیامبرش (ص) نازل کرده، پیش من است به املائی او و دست خط من. و تأویل هر آیه‌ای که خدا بر پیامبرش نازل کرده و هر حلال و حرام یا حد و حکم و هر چیزی که مردم تا روز قیامت بدان نیازمندند، با املائی پیامبر خدا و خط من نوشته شده است؛ حتی جریمه خدشه‌ای که بر بدن کسی وارد کنند.»

از این خبر به خوبی می‌توان دریافت که افزون بر ذکر آیات، تأویل آن نیز در مصحف آمده است و تأویل غیر از قرآن است. همچنین، توضیح هر حلال و حرام یا بیان حدود و احکام و نیازهای امت اسلامی تا قیامت، در این مصحف مذکور بوده است. اگر منظور خود آیه‌ها و سوره‌ها باشد، وجهی برای ذکر آن‌ها نبود و تفاوتی میان این مصحف و مصحف‌های دیگر به شمار نمی‌رفت و

دیگر نیازی نبود که در ذیل روایت بیاید: اَنَّ رَسُولَ اللَّهِ أَسْرَ إِلَيَّ فِي مَرَضِهِ مِفْتَاحَ أَلْفِ بَابٍ مِنَ الْعِلْمِ يَفْتُحُ كُلَّ بَابٍ أَلْفَ بَابٍ. این که پیامبر در هنگام رحلت، کلید هزار باب دانش را به علی می‌دهد تا آن‌ها را بنویسد، چیزی جز قرآن بوده که حضرت علی (ع) آن را آموخته و به کتابت در آورده است.

مصنف امام علی و دیگر مصحف‌ها

روایاتی بسیار در دست است که در زمان پیامبر و پس از آن، مصحف‌هایی فراوان، متعلق به یاران پیامبر، موجود بوده است. همچنین، از تابعین نیز هر کس می‌توانست، مجموعه‌ای از برخی آیات الهی یا همه قرآن را برای خود گرد می‌آورد؛ به گونه‌ای که تا سال‌ها بعد، مصحف شخصی - گذشته از این که برای انجام فرایض مذهبی و خواندن قرآن لازم بود، یا برای آموزش مسلمانان و کودکان و نومسلمانان ضروری می‌نمود - نشانه تشخیص نیز به‌شمار می‌رفت و مالکیت صحیفه برای مسلمانان گونه‌ای ارزش اجتماعی محسوب می‌شد. [۵۵].

مصحف‌ها چنان ارزشمند بودند که گروهی کتاب‌هایی به نگارش در آوردند و مصحف‌ها را به‌صورت منطقه‌ای به معرفی گذاردند؛ مانند مصاحف شام، مصاحف حجاز و عراق، از ابن عامر (م ۱۱۸ ق)، یا در پی مقایسه آن‌ها برآمدند؛ مانند کتاب اختلاف مصاحف اهل مدینه و اهل کوفه و اهل بصره، از کسایی (م ۱۸۹ ق)، یا مستقلانه به معرفی مصحف‌ها پرداختند؛ مانند کتاب المصاحف والهجاء، نوشته محمد بن عیسی اصفهانی (م ۲۵۳ ق)، کتاب المصاحف، نوشته ابوبکر بن ابی داوود سجستانی (م ۳۱۶ ق)، المصاحف، نوشته ابن انباری (م ۳۲۷ ق)، المصاحف، نوشته ابن اشته اصفهانی (م ۳۶۰ ق) و المصاحف، نوشته ابن قاصم (م ۳۶۲ ق). [۵۶].

رامیار در پژوهش خود درباره مصاحف صحابه در حیات پیامبر، از صاحبان چندین مصحف یاد می‌کند؛ از آن جمله، حمزه عموی پیامبر که پیش از شهادت، مصحفی برای خود ترتیب داده بود و ابی بن کعب، ابوالدرداء، معاذ بن جبل، زید بن ثابت، ابوزید، عباده بن صامت و ابویوب انصاری. البته پس از زمان رسول خدا (ص) کار تدوین مصاحف و مجموعه‌های شخصی، از تدوین مصحف‌های آیات الهی رایج‌تر شد؛ و می‌توان گفت که ۲۳ نفر از صحابه دارای مصحف بوده‌اند. [۵۷].

سرنوشت مصحف‌ها

پس از رحلت پیامبر، مصحف‌هایی گرد آوردند و بر اساس آن‌ها نسخه‌هایی باز نوشتند؛ تا آن‌جا که افراد برای فراهم آوردن مصحف خود، یکی از مصحف‌های صحابه را نمونه قرار می‌دادند، و همین، مایه رواج مصحف در هر شهر شد. از این رو، هر مصحف نشانه و ویژگی شهری را با خود داشت و بدین سان تا سال‌ها مصحف ابی بن کعب در دمشق، مصحف ابن مسعود در کوفه، مصحف ابوموسی در بصره و مصحف مقداد - و بنا بر روایتی معاذ - در حمص رواج داشت. [۵۸] اما با گسترش فتوحات، ملت‌هایی مختلف به اسلام گرویدند؛ مردمی که نه زبان قرآن را می‌دانستند و نه با فرهنگ و آداب و رسوم عرب آشنا بودند. کار قرآن خواندن برای اینان دشوار بود. از سویی دیگر، قرآن میان مردم عرب بیش‌تر به گونه انتقال شفاهی و با اتکا به حافظه قرائت می‌شد و آنان کم‌تر از خط و کتابت سود می‌بردند. خط آن روزگار نیز، خود، مشکلی بود و کلمه‌ها از نقطه‌گذاری و اعراب بی‌بهره بودند و هر کسی نمی‌توانست از مصحف‌ها سود ببرد. در چنین شرایطی زمینه نادرست خوانی فراهم شد و بیم آن می‌رفت که لهجه‌ها و سلیقه‌ها و قرائت‌های گوناگون به اساس قرآن آسیب رسانند.

برای سامان یافتن این وضع، می‌باید گروهی از حافظان، قاریان و مصحف‌داران گرد می‌آمدند و به ثبت قرآن و یگانه ساختن مصاحف روی می‌آوردند. سرانجام، عثمان به این کار روی آورد و برای این که بتواند این حرکت را سامان بخشد و راه را برای

یگانه‌سازی مصاحف باز کند، تصمیم گرفت مصحف‌های دیگر را گرد آورد و نابود سازد. او دستور داد همه کتیبه‌ها، نوشته‌ها، استخوان‌ها و سنگ‌های نازک سپید را، که صحابه آورده بودند و آیات قرآنی را بر آن‌ها نوشته بودند، از میان ببرند تا دیگر نزاع و اختلافی در میان نباشد و همه مسلمانان، یکپارچه، به متنی یگانه روی آورند. خلاصه آن که او دستور داد هر جا و نزد هر کسی مصحفی مخالف آنچه آنان گرد آورده‌اند یافته شود، نابودش سازند و مردم را به یک نسخه فرا خوانند. [۵۹].

با این همه، هر قدر برای از میان بردن دیگر مصاحف می‌کوشیدند، دارندگان مصاحف بر مقاومت خویش می‌افزودند؛ چنان‌که تا سال‌ها پس از این ماجرا، برخی مصاحف همچنان موجود بودند، ولی اندک‌اندک همان‌ها نیز نابود شدند و اثری جز نام از آن‌ها باقی نماند.

مصحف امام علی و مصحف فاطمه

چنان‌که گذشت، بنابر روایات، محتوای مصحف امام علی (ع) کلمات وحی الهی بوده است. نیز گذشت که در آن روزگار واژه «مصحف» را برای کتاب‌هایی دیگر نیز به کار می‌برده‌اند و تنها به نسخه‌های قرآنی مصحف نمی‌گفته‌اند. درباره مصحف فاطمه (س) نیز همین حقیقت، صادق است. بر اساس منابع گوناگونی که از کتاب یا مصحف دخت پیامبر اکرم (ص) سخن گفته‌اند، می‌توان دریافت که حضرت پس از رحلت پیامبر این مصحف را نگاه داشته است. نگارش این مصحف بر اساس دریافت‌های معنوی و غیبی او و برای تسلای خاطر و تحمل رنج گران فقدان پدر انجام گرفته است. بنابر این روایات، فاطمه (س) دریافت‌های خویش را باز می‌گفته و امیرمؤمنان آن‌ها را می‌نوشته است: فجعل امیرالمؤمنین یکتب کلما سمع حتی اثبت من ذلک مصحفاً. [۶۰].

بنابر برخی دیگر از روایات، مصحف فاطمه (س) از نظر حجم سه برابر قرآن بوده است. [۶۱] نکته مهمی، که روایات بسیار بر آن پای فشرده‌اند، آن است که مصحف حضرت فاطمه (س) قرآن نبوده [۶۲] و حتی در این کتاب احکام شریعت و حلال و حرام نیز مذکور نبوده است؛ تا برخی گمان کنند از این روایات بوی تحریف قرآن به مشام می‌رسد و یا مصحف فاطمه (س) کتابی است در مقابل قرآن.

مصحف حضرت، امثال و حکم و موعظه و سخنان عبرت‌آمیز و اخبار بوده است. کلینی بنابر روایتی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که مصحف فاطمه (س)، وصیت آن بانو بوده است. [۶۳] همچنین، در برخی اخبار آمده است که در این مصحف، اخبار و اسرار زمان آینده مذکور بوده است. [۶۴] بنابر این، کاربرد واژه «مصحف» بر کتاب فاطمه (س) از این رو بوده است که هر نوشته میان دو جلد را «مصحف» می‌گفته‌اند؛ چنان‌که نوشته مرتب و منظم را «دیوان» می‌گفته‌اند و دیوان، مدون ساختن و به گونه کتاب در آوردن است، ولی اندک‌اندک، کتاب شعرا را دیوان خوانده‌اند. اصطلاح مصحف نیز چنین بوده است و به تمام نوشته‌های مدون، مصحف می‌گفته‌اند، اما بعدها تنها برای قرآن از آن سود جستند؛ تا جایی که اگر کسی واژه «مصحف» را بر زبان می‌آورده، مردم قرآن را نشان می‌داده‌اند. همین زمینه‌ای گشت تا برخی درباره مصحف فاطمه (س) به اشتباه افتند. درباب مصحف فاطمه (س) مطالب بسیار دیگری مطرح است که از حوصله این مقال بیرون است. [۶۵].

بدین سان، تفاوتی بنیادین میان مصحف امام علی (ع) و مصحف فاطمه (س) در کار است. مصحف امام علی (ع) بر اساس متن قرآن و نسخه پیامبر سامان یافته و مصحف فاطمه (س) بر اساس دریافت‌های معنوی و غیبی و الهام‌های دوران سخت فراق پدر. نکته دیگر آن‌که، بنابر روایات شیعه، از نشانه‌های امامت که می‌توان به وسیله آن امام معصوم راستین را از دیگران باز شناخت، این است که مصحف فاطمه (س) و جعفر و جامعه نزد او است. امامان گاه در مقام احتجاج از این نشانه سود برده‌اند. در این گونه روایات، از مصحف فاطمه (س) بسان کتابی مستقل یاد شده است؛ مانند: خلفت فاطمه مصحفاً ما هو القرآن؛ [۶۶] عندی مصحف فاطمه لیس فیه شیء من القرآن؛ [۶۷] مصحف فاطمه ما فیه آیه من القرآن. [۶۸].

ویژگی‌های مصحف امام علی

آنچه در روایات درباره ویژگی‌های مصحف امام علی (ع) آمده، تفسیرپذیر است و جای نقد و بررسی دارد. از این رو، در آغاز باید ویژگی‌ها را بر شمرد و سپس از معنا و تفسیر آن‌ها سخن گفت و به نتیجه بحث رسید و چهره راستین مصحف را باز شناخت.

کتاب علی

با عنایت به اختصار مقاله حاضر، در این جا فقط ویژگی‌های مصحف امام را، فهرستوار، می‌شماریم و توضیح در باره آن‌ها را به مجال دیگر وامی‌گذاریم:

۱. ترتیب بر حسب نزول؛

۲. ذکر ناسخ و منسوخ؛

۳. اشتمال بر تأویل؛

۴. اشتمال بر تنزیل؛

۵. بیان محکم و متشابه؛

۶. تفصیل احکام؛

۷. ذکر اسامی اهل حق و باطل؛

۸. املائی پیامبر و انشای علی.

چون در منابع حدیثی شیعه جست‌وجو کنیم، درمی‌یابیم که امامان، احادیثی را از نوشته‌ای به نام «کتاب علی» نقل کرده‌اند. آن پاک‌نهادان، ده‌ها بار در گفتار خود تعبیرهایی چنین آورده‌اند: وَجَدْنَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ؛ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ كَذَا؛ هَكَذَا فِي كِتَابِ عَلِيٍّ؛ ذَلِكَ فِي كِتَابِ عَلِيٍّ. بیش‌تر این روایات از امام باقر (ع) و امام صادق (ع) روایت شده‌اند و از دیگر امامان بسیار اندک نقل گشته‌اند. [۶۹].

بنابر این، وجود کتاب علی (ع)، بنابر روایات متواتری که در منابع آمده‌اند، تردیدناپذیر است، اما در این جا چند پرسش مطرح است:

اول. این کتاب از چه سخن می‌گفته است؛ آیا از مقوله تفسیر بوده یا از محتوایی حدیثی، تاریخی و یا فقهی برخوردار بوده است؟

دوم. این کتاب دارای چه ویژگی‌هایی بوده است؟

سوم. آیا تنها روایات شیعه از کتاب علی (ع) نام برده‌اند یا کتاب‌های اهل سنت نیز به آن اشاره کرده‌اند؟

چهارم. آیا مصحف امام و کتاب علی (ع) یکی بوده‌اند، یا مصحف بخشی از کتاب علی (ع) بوده یا به عکس، و یا هر دو وجودی مستقل داشته‌اند.

ویژگی‌های کتاب امام علی

از مجموع روایات می‌توان به چند نکته راه یافت:

اول. کتاب علی (ع) تألیف بوده است و حضرت به دست خویش آن را به نگارش در آورده است. میان مقرر و کاتب تفاوت است. کاتب وظیفه دارد آنچه را کسی دیگر می‌گوید، کلمه به کلمه بنویسد و نظم و ترتیب و فصل‌بندی املا-کننده را رعایت کند. مقرر، مطالب کسی دیگر را تقریر می‌کند و به نگارش درمی‌آورد، اما تنظیم، ترتیب و بسیاری از ویژگی‌های کتاب از آن نویسنده

است؛ مطالب از گوینده است، اما ترکیب و تألیف و حتی برخی توضیحات، از نویسنده و مقرر است.

این که در روایات آمده است کتاب از آن علی و به خط علی است و خط به دست علی و با انگشتان علی است، تأکیدی است بر این که کار منسوب به حضرت و متعلق به وی است؛ به‌ویژه این تعبیر که امام باقر (ع) می‌فرماید: *إِنَّ عَلِيًّا كَتَبَ الْعِلْمَ كُلَّهُ*. [۷۰] یا امام صادق (ع) می‌فرماید: *أَمَا إِنَّكَ إِنْ رَأَيْتَ كِتَابَهُ لَعَلِمْتَ أَنَّهُ مِنْ كُتُبِ الْأَوْلِيَيْنِ*؛ [۷۱] «بی‌گمان، اگر کتاب علی را باز بینی، درمی‌یابی که این کتاب از کتاب‌های نخستین است.»

دوم. این کتاب آموخته‌های علی (ع) از پیامبر است، بلکه تقریر مطالب پیامبر است. در بیش‌تر روایات با صراحت تأکید شده است که مطالب کتاب به املائی رسول‌الله (ص) است. [۷۲].

سوم. بیش‌تر آنچه از این کتاب نقل شده است، نشان می‌دهد که موضوع کتاب، شریعت و احکام و مسائل دین بوده است؛ چنان که در روایات، کتاب علی (ع) این گونه وصف شده است: *فِيهَا كُلُّ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ*؛ [۷۳] *فِيهَا جَمِيعُ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ*، حتی ارش الخدش فیه؛ [۷۴] *لَيْسَ مِنْ قَضِيَّةٍ إِلَّا وَ هِيَ فِيهَا حَتَّى ارش الخدش*. [۷۵] چنین تعبیرهایی نشان می‌دهند که محتوای کتاب مربوط به احکام بوده است.

با این حال، در برخی تعبیرها، عنوان، عام و کلی است. این تعبیر در ظاهر نشان می‌دهند که محتوای کتاب فراتر از احکام ظاهری شریعت بوده است. در این روایات آمده است که چیزی نیست که مردم بدان نیازمند باشند مگر این که در این کتاب بیان شده است، [۷۶] اما وقتی مثال به میان می‌آید، از ارش الخدش سخن گفته می‌شود؛ یعنی دیه خدش‌های که به کسی وارد کرده‌اند. در این صورت، معلوم می‌شود که بحث کتاب از مقوله فقه و احکام است؛ به‌ویژه در روایت محمد بن مسلم که می‌گوید: از امام باقر (ع) پرسیدم این کتاب علی (ع) چگونه است؟

أَجَوَاعُ هُوَ مِنَ الْعِلْمِ، أَمْ فِيهِ تَفْسِيرُ كُلِّ شَيْءٍ مِنْ هَذِهِ الْأُمُورِ الَّتِي تَتَكَلَّمُ فِيهِ النَّبِيُّ مِثْلَ الطَّلَاقِ وَالْفَرَائِضِ؟ فَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا كَتَبَ الْعِلْمَ كُلَّهُ، الْقَضَاءَ وَالْفَرَائِضَ؛ [۷۷] «آیا این کتاب جامع علوم است، یا معنای هر چیز در آن آمده است که مردم درباره‌اش سخن می‌گویند؛ مانند احکام طلاق و ارث؟ حضرت فرمود: بی‌گمان علی (ع) علم را به تمام و کمال نوشت؛ هم قضا و هم فرایض را.» در این عبارتها، مثال‌ها ناظر به احکام فقهی‌اند و از آن‌ها نمی‌توان استفاده کرد که کتاب به علمی دیگر، مانند تاریخ و عقاید مربوط است. البته در روایت محمد بن مسلم آمده است: *عِنْدَنَا صَحِيفَةٌ مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ*؛ «در پیش ما صحیفه‌ای از کتاب‌های علی است.» یعنی علی (ع) کتاب‌هایی داشته و یکی از این کتاب‌ها، صحیفه طلاق و فرایض بوده است. از این‌رو، محتمل است صحیفه‌های دیگر حضرت، مربوط به موضوعات دیگر بوده باشد.

چهارم. از این روایات استفاده می‌شود که مباحث کتاب - در احکام - جامع و مبسوط بوده است. تعبیرهای گوناگونی وجود دارد که در این کتاب هر چیزی که مردم بدان نیازمند باشند، آمده است، یا از امام صادق (ع) رسیده است که فرموده: «نزد ما چیزی است که دیگر به احدی نیازمند نیستیم.» [۷۸] یا آمده است: «خدا حلال و حرامی نیافریده مگر این که در این کتاب از آن سخن رفته است.» [۷۹] حتی گاهی تعبیر «جامعه» برای کتاب به کار رفته [۸۰] که گستردگی مطالب و حجم مباحث نوشته را می‌رساند. همچنین است عبارتهایی دیگر که در این روایات آمده‌اند؛ مثل این که طول نوشته‌ها هفتاد ذراع است، [۸۱] و یا حتی ارش خدش را در خویش دارد.

پنجم. این کتاب، منبع علوم و احکام امامان پاک‌نهاد (ع) بوده و آن بزرگان برای پاسخ به مردم به این کتاب می‌نگریسته‌اند. گاه امامان پای می‌فشرده‌اند که بگویند این مطلب را از آن کتاب نقل می‌کنیم؛ مثلاً در جایی آمده است: «در کتاب علی (ع) نوشته شده است: خدا لعنت می‌کند کسی را که برای غیر خدا ذبح کند؛ خدا لعنت می‌کند کسی را که نشان راه‌ها را می‌دزدد و خدا لعنت می‌کند کسی را که پدرش او را لعنت کند.» [۸۲] از سوی دیگر، کتاب علی (ع)، نشانه امامت امامان نیز بوده است. گاه آن

بزرگان بدین وسیله از دروغین بودن ادعای مدعیان امامت نیز خبر می‌داده یا اقوال آنان را رد می‌کرده‌اند؛ [۸۳] به‌ویژه آن‌گاه که پس از شهادت امامی معصوم (ع)، باز شناختن امام بعدی دشوار می‌نموده است.

ششم. این کتاب نوشته‌ای عمومی نبوده که دیگران بتوانند آن را استنساخ کنند یا در اختیار گیرند. حتی از برخی روایات استفاده می‌شود که مطالب کتاب از مختصات علوم اهل بیت (ع) بوده و از امامی به امامی دیگر دست به دست می‌شده و تنها گاهی امامان برای پدید آوردن اعتماد در مخاطب یا تأکید بر مطلب به کتاب اشاره می‌کرده‌اند و یا ویژگی‌هایی از آن را شرح می‌داده‌اند. [۸۴].

نسبت میان صحیفه و کتاب امام علی

پیش از آن‌که بخواهیم درباره نسبت مصحف امام با کتاب حضرت سخن گوئیم، باید به این پرسش پاسخ دهیم که آیا میان صحیفه و کتاب علی (ع) تفاوتی هست. در برخی روایات شیعه گاه تعبیر «صحیفه» آمده و در برخی روایات، «کتاب علی»؛ اما در روایات اهل سنت تنها از «صحیفه» سخن رفته است. در این باره چند احتمال مطرح است:

اول. مراد از آن‌چه در روایات با عنوان صحیفه و جامعه آمده، همان کتاب علی (ع) است و مراد از آن‌چه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه آمده، نیز کتاب علی (ع) است.

دوم. کتاب علی (ع) و جامعه یک مجموعه‌اند و صحیفه چیزی دیگر است؛ زیرا درباره کتاب علی (ع) آمده است که طولش هفتاد ذراع است و وقتی پیچیده شود، به اندازه ران مردی قوی هیکل است؛ [۸۵] در حالی که در برخی روایات آمده است که صحیفه به شمشیر پیامبر پیوسته است [۸۶] و آن‌چه به شمشیر بسته و پیوسته است، باید کوچک و کم حجم باشد.

سوم. نسبت میان صحیفه و جامعه و کتاب علی (ع)، نسبت عموم و خصوص است؛ یعنی آن‌چه در روایات اهل سنت با عنوان صحیفه علی (ع) آمده، در حقیقت، بخشی از کتاب علی (ع) را تشکیل می‌دهد و حضرت در طول حیات خود روایات پیامبر را گرد آورده و بخش بخش و صحیفه صحیفه کرده است.

صاحبان نظریه نخست می‌گویند: بر اساس آن‌چه از روایات اهل سنت رسیده است، صحیفه علی (ع) موضوعاتی گوناگون را در برداشته است و از آن‌جا که در وصفش آمده که به املائی پیامبر و موضوعش احکام بوده است، با مشخصات کتاب علی (ع) هماهنگ است. بنابراین، گرچه راویان، به دلیلی که گذشت، همه این روایات را ضبط نکرده‌اند، شواهد و قرائن نشان می‌دهند که این دو، یکی‌اند. [۸۷] اما صاحبان نظریه دوم می‌گویند: طول کتاب علی (ع) هفتاد ذراع و حجمش بسیار بوده و نمی‌توان آن‌ها را یکی پنداشت.

در جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از احتمالات، می‌توان گفت اگر مراد از صحیفه همان مُلَحَقَه شمشیر پیامبر است، صحیفه مذکور، بخشی از صحیفه و کتاب علی (ع) است؛ زیرا در روایت محمد بن عبدالملک آمده است: عندنا واللّه صحیفه طولها سبعون ذراعاً. [۸۸] چنان‌که در روایات عبدالله بن یعفر آورده است: صحیفه طولها سبعون ذراعاً. [۸۹] در حالی که این تعبیر برای جامعه نیز آمده است: عندنا الجامعه و هی سبعون ذراعاً. [۹۰] در جایی دیگر آمده است: عندنا لَصْحِيفَةٌ یقال لها جامعه. [۹۱] یا در روایت فضیل بن یسار آمده است: عندنا کتاب عَلِیٍّ سبعون ذراعاً. [۹۲] و در روایت مروان آمده است: عندنا کتاب علی سبعون ذراعاً. [۹۳] بنابراین، کتاب علی (ع)، جامعه و صحیفه، یکی شمرده می‌شوند و از ویژگی‌هایی یگانه برخوردارند، و این‌که در روایات گاه واژه «کتاب» به کار رفته و گاه «جامعه» و گاه «صحیفه»، مراد کتابی یگانه بوده است؛ زیرا ویژگی‌های هر سه با یک کتاب هماهنگ است.

کتابی که بنا بر روایات، پیوست یا همراه شمشیر پیامبر بوده است، ممکن است رساله‌ای کوچک بوده باشد، اما از آن‌جا که ویژگی‌هایش با ویژگی‌های صحیفه حضرت همسان است، باید بخشی از کتاب بسیار مفصلی باشد که ویژه احکام و فرائض است. گواه این حقیقت، برخی روایات است: أَقْرَأَنِي أَبُو جَعْفَرٍ شَيْئًا مِنْ كِتَابِ عَلِيٍّ. [۹۴] یا در روایت عبدالملک بن اعین آمده است: ارانی

ابوجعفر بَعْضَ كُتُبِ عَلِيٍّ. [۹۵].

از سوی دیگر، آنچه در منابع اهل سنت نقل شده است که نزد علی (ع) جز این صحیفه در «قراب سیف» نبوده و از پیامبر به ارث نرسیده است، [۹۶] محل تردید است؛ زیرا این دسته از روایات در برابر روایاتی قرار دارند که در منابع دیگر (اعم از شیعه و سنی) در مقام علمی امام علی (ع) و اهل بیت (ع) نقل گشته‌اند و نشان می‌دهند پیامبر ودایع خود را به ایشان واگذارده است. [۹۷] چنان که اشاره شد، فضای سنگین عهد بنی امیه و بنی عباس، زمینه چنین نظریه‌ای را تقویت می‌کند.

از برخی روایات به دست می‌آید که در عصر خود حضرت، این پرسش مطرح بوده که امام علی (ع) از پیامبر چه به ارث برده است. عن ابی اراکه قال: كُنَّا مَعَ عَلِيٍّ بِمَسْكَنٍ. فَحَدَّثَنَا أَنَّ عَلِيًّا وَرَثَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ السَّيْفَ، وَبَعْضُ يَقُولُ: أَنَّ الْبَغْلَةَ، وَبَعْضُ يَقُولُ: وَرَثَ صَحِيفَةً فِي حِمَائِلِ السَّيْفِ، إِذْ خَرَجَ عَلِيٌّ (ع) وَ - نَحْنُ فِي حَدِيثِهِ - فَقَالَ ... وَ أَيْمَ اللَّهِ إِنَّ عِنْدِي لَصُحُفٌ كَثِيرَةٌ قَطَّاعُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ إِنَّ فِيهَا لَصَحِيفَةٌ يَقَالُ لَهَا الْعُبَيْطَةُ؛ [۹۸] «ابو اراکه می‌گوید: همراه با علی در خانه‌ای بودیم. سخن از علی بود که از پیامبر خدا چه به ارث برده است: شمشیر یا قاطر؟ برخی گفتند: صحیفه‌ای در جلد شمشیر به ارث برده است. در این هنگام علی (ع) - در حالی که ما درباره او سخن می‌گفتیم - به جمعمان در آمد و گفت: به خدا سوگند، در پیش من صحیفه‌هایی بسیار از پیامبر خدا است که یکی از آن‌ها درباره مرگ‌های ناگهانی [عُبَيْطَةُ] است.»

بنابراین، حضرت صحیفه‌هایی چند در اختیار داشته است که مجموع آن‌ها جامعه و کتاب علی (ع) را تشکیل می‌داده است و این که ویژگی‌های یک یا چند صحیفه در احادیث برشمرده شده است، بدین معنا نیست که هر یک، کتابی مستقل بوده‌اند. [۹۹].

نسبت میان کتاب و مصحف امام علی

از آنچه درباره کتاب و مصحف علی (ع) باز نموده شد، می‌توان به تفاوت‌های آن‌ها دست یافت. بی‌گمان، کتاب علی (ع) در بردارنده احکام و مقررات فقهی بوده است و از آن‌جا که احکام را دامنه‌ای گسترده است، حجم آن کتاب بسیار بوده است؛ چنان که بنابر روایات، طول صحیفه هفتاد ذراع و عرضش در حدود دو ذراع و قطرش به اندازه ران شتر بوده است. [۱۰۰] در این دسته از روایات مطلبی که حاکی از تفسیر قرآن باشد، به چشم نمی‌آید.

از سوی دیگر، از ویژگی‌های گفته شده درباره مصحف امام علی (ع) می‌توان دریافت که محتوای کتاب، قرآن و علوم وابسته به قرآن بوده و تنها احکام صرف نبوده است؛ مانند مبحث محکم و متشابه، ناسخ و منسوخ و اسباب نزول و سرانجام، تفسیر و تأویل. از این رو، این که دو نوشته را یکی بپنداریم، به ظاهر درست نمی‌نماید. تنها آن‌چه زمینه وحدت موضوعی این دو کتاب را تداعی می‌کند، تشابه موضوعات فقهی و برخی ویژگی‌های دیگر است؛ مثلاً در روایت سلیم آمده است که هر حکم حلال و حرام و کیفر و حکمی - حتی دیه خراش - که مسلمانان تا روز رستاخیز بدان نیازمندند، با املائی پیامبر خدا (ص) و خطعلی (ع) نوشته شده است. [۱۰۱] این تعبیر درباره کتاب علی (ع) بارها به کار رفته است. به عنوان نمونه، در روایت عبدالرحمان بن عبدالله از امام صادق (ع) نقل شده است: مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَلَا حَرَامٍ إِلَّا فِيهَا حَتَّى أُرْشَ الْخَدَشُ. [۱۰۲].

بنابر آن‌چه گذشت، ویژگی‌های مشترک مصحف و کتاب عبارتند از:

- در برداشتن احکام حلال و حرام و جامعیت مصحف و کتاب در این قلمرو.

- بیان احکام برای همه زمان‌ها و شرایط گوناگون.

- منبع و مأخذ هر دو نوشته، املائی پیامبر و خط علی (ع) است. [۱۰۳].

پس مانعی نیست که مصحف امام در همان حال که تفسیر است، احکام را نیز به گونه‌ای گسترده بیان کند. و اگر در روایات امامان، تعبیر «کتاب» و «صحیفه» به چشم می‌آید، از این باب است که در عهد صادقین (ع) اصطلاح «مصحف»، قرآن را به ذهن

می آورده است. البته حضرت می توانسته است مجموعه‌ای مستقل به نگارش در آورده باشد.

نکته دیگر آن که کتاب علی (ع) گاه در اختیار دیگران قرار گرفته است و شماری از صحابه آن را بارها در دست امامان دیده‌اند، ولی مصحف علی (ع) را کسی ندیده است و جز از گذر توضیحاتی کلی، خبری از آن در دست نیست. مصحف امام علی (ع) پس از امام حسن (ع) و امام حسین (ع) به امام سجاد (ع) و از آن حضرت به امام باقر (ع) و امام صادق (ع) رسید، ولی از زمان امام سجاد (ع) به بعد، کم‌تر تعبیر «مصحف» به کار رفته است؛ در حالی که آنچه در روایات شیعی از زمان امام باقر (ع) به بعد به چشم می‌آید، تعبیر «کتاب علی» است و همین، احتمال یگانگی دو نوشته را تقویت می‌کند.

چگونگی نگارش مصحف امام علی

پس از این که آشکار شد مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن نیست، این پرسش مطرح است که نگارش مطالب تفسیری حضرت چگونه بوده است. آیا مانند تفسیرهای روزگار ما آیات و تفسیر آن‌ها، هر دو، در متن می‌آمده‌اند و مباحث درهم نگاشته می‌شده‌اند یا به گونه متن و حاشیه می‌آمده‌اند؟

شیوه کتاب‌های تفسیری همواره دو گونه است:

اول. متن آیه در بالا، و توضیح‌ها و تفسیرها در حاشیه آورده می‌شود. حجم این توضیح‌های حاشیه‌ای، بسته به اهداف، مخاطبان و شرایط علمی مفسر متفاوت است.

دوم. آیه، بخش‌بخش آورده می‌شود و پس از ذکر هر بخش، توضیح و تفسیر آن‌ها مذکور می‌آید و آن گاه نوبت بخش‌های بعدی فرامی‌رسد.

در متون کهن در این باره سخنی به میان نیامده است و از کتاب‌هایی که از آن روزگار بر جای مانده‌اند، با توجه به تحولات خط، نوشت افزار و دگرگونی نسخه‌ها، نمی‌توان نظریه‌ای قطعی در باب کیفیت نگارش فراچنگ آورد؛ به‌ویژه درباره مصحف امام که برخی می‌پنداشته‌اند تنها نسخه‌ای از قرآن بوده است و از این رو، این پرسش در ذهن آنان مطرح نبوده که نگارش مطالب بر چه شیوه بوده است.

از سوی دیگر، از برخی گزارش‌ها می‌توان دریافت که در عصر خلفا، شماری از صحابه و تابعین، توضیح خود را در حاشیه یا متن قرآن می‌نوشتند؛ تا آن جا که خلیفه دوم در فرمانی مشهور، نگارش تفسیر را در متن آیات قرآن ممنوع ساخت و قرظۀ بن کعب انصاری را مأمور کرد قرآن را از تفسیر جدا کند. [۱۰۴] اشتباه برخی خاورشناسان [۱۰۵] و همچنین صاحبان مصاحف درباره قرائت ترادفی و سوء استفاده از آن برای پذیرش تحریف قرآن از این جا برخاسته است که پنداشته‌اند آنچه در مصاحف کسانی مانند ابن مسعود، ابی بن کعب، عایشه و حفصه و دیگران به جای کلمه‌ای، کلمه دیگر نقل شده یا در کنار آن قید توضیحی آمده است، اختلاف قرائت و ترادف کلمات قرآن بوده؛ [۱۰۶] در صورتی که روشن است بسیاری از این موارد نه از باب اختلاف قرائت یا بر نهادن کلمه‌ای بر جای کلمه‌ای دیگر است، بلکه توضیح و تفسیر صاحبان مصاحف است و هیچ ارتباطی با تحریف ندارد.

تنها کسی که در این میان به این موضوع پرداخته و کیفیت نگارش مصحف امام را به پژوهش نهاده است، محمد بن عبدالکریم شهرستانی (م ۵۴۸ ق) نویسنده کتاب الملل والنحل است. او در مقدمه تفسیر خویش به این مصحف اشاره می‌کند و می‌گوید: «برخی گفته‌اند مصحف امام علی، متن و حاشیه داشته است و قرآن در متن بوده و تفسیرها در عرض و حواشی.» [۱۰۷] شهرستانی با تعبیر «قیل» از نظریه یادشده سخن می‌گوید و منبع آن را نام نمی‌برد، اما این گفته با حساسیت حضرت برای نیامیختن متن و تفسیر و تجربه‌ای که بعدها برای خلیفه دوم پیش آمد، سازگار می‌نماید؛ به‌ویژه آن که این روش رواج یافت و تا سال‌ها برجای ماند.

شاید این که برخی پنداشته‌اند مصحف امام علی (ع)، تنها قرآن بوده است، از این جا ناشی شده است که اصل و متن عبارت از قرآن

بوده است؛ چنان که در روزگار ما اگر قرآنی با حاشیه چاپ شود، باز آن را «قرآن» می‌شماریم. به همین دلیل، شهرستانی پس از گفتاری مفصل درباره رویدادهای پس از پیامبر و این که چگونه مصحف علی (ع) را پذیرفتند، گلایه می‌کند که چرا آن را به شایسته‌ترین کسی که می‌توانست قرآن را گرد آورد، نسپردند و به نوشته‌اش بها ندادند. او در پایان می‌نویسد: «با این همه، نقل نشده است که حضرت علی (ع) گردآوری دیگران را رد کرده و پذیرفته باشد.» [۱۰۸].

همچنین، در نسخه کرمانیه شواهدالتزیل، نوشته حسکانی (م قرن پنجم ق)، از ابن سیرین (م ۱۱۰ ق) نکته‌ای نقل شده است که گوشه‌ای دیگر از چگونگی نگارش مصحف امام را روشن می‌سازد: «من خبردار شدم که حضرت، در پی قرآن، ناسخ و منسوخ را می‌نوشته است.» [۱۰۹] تعبیر «فی اثره»، شاید گفتار شهرستانی را تقویت کند که مصحف امام دارای حواشی و تعلیقاتی بوده و این گونه نبوده است که در متن قرآن، افزوده‌های تفسیری و تاریخی جای گیرند.

مدت گردآوری مصحف امام علی

از پرسش‌هایی که درباره مصحف امام مطرح است مدت گردآوری یا تألیف آن است. این پرسش از آن‌جا مطرح شده است که گزارش‌ها دگرگونند، به گونه‌ای که حتی اصل موضوع را نیز خدشه‌دار کرده است؛ مثلاً در برخی گزارش‌ها مدت گردآوری سه روز و در برخی شش یا هفت روز و در برخی شش ماه آمده است.

اکنون پیش از بررسی لازم است به پرسشی دیگر پردازیم. پرسش این است که اگر مصحف به املائی پیامبر و کتابت حضرت علی (ع) است، باید نگارشش در زمان خود پیامبر انجام گرفته باشد؛ در صورتی که بحث تألیف و جمع، درباره روزگار پس از پیامبر است؛ به‌ویژه آن که از برخی روایات دریافته می‌شود که کتاب در همان روزگار نزول قرآن سامان یافته و به تعلیم پیامبر بوده است؛ مثلاً در روایت کمال‌الدین، نوشته شیخ صدوق، آمده است: ما نَزَلَتْ عَلَيَّ رِسُولَ اللَّهِ آيَةً مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأُهَا وَأَمْلَاهَا عَلَيَّ فَكَتَبْتُهَا بِخَطِّي وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا وَتَفْسِيرَهَا. [۱۱۰].

از جمله «فکتبتهای بخطی»، که با فاء عاطفه آمده است، استفاده می‌شود که هر گاه آیه‌ای نازل می‌شده، پیامبر آن را بر حضرت علی (ع) می‌خوانده و آن حضرت بی‌درنگ آیه را برمی‌نوشته و تأویل و تفسیرش را از پیامبر می‌آموخته است. ولی در ذیل روایت، عبارتی است که معنایی دیگر به ذهن می‌رساند: فما نَسِيتُ آيَةً مِنَ كِتَابِ اللَّهِ وَلَا عَلِمًا أُمَّلَاهُ عَلَيَّ. زیرا وقتی امام علی (ع) می‌فرماید: «هیچ آیه‌ای از کتاب و علمی را که رسول خدا بر من املا کرد، فراموش نکردم»، بدین معنا است که نوشتن در همان زمان املا انجام نگرفته؛ و اگر جز این بود، سخن از فراموش نکردن و ماندن آن به میان نمی‌آمد.

همکاران امام علی در کار گردآوری

آیا علی (ع) در کار گردآوری تنها بوده است، یا دستیارانی داشته و اگر دستیارانی داشته به چه کاری از مصحف مشغول بوده‌اند؟ از ظاهر بیشتر روایات چنین برمی‌آید که کار گردآوری مصحف، ویژه علی (ع) بوده است. او به دلیل ویژگی علمی و ارتباطی که با سرچشمه وحی داشته و نیز به این دلیل که مصحف پیامبر را نزد خویش داشته است، برای گردآوری و تألیف قرآن بی‌همتا بوده است. بنابراین، نیاز به همکاری کسی برای نوشتن محتوا و یا گردآوری مطالب مطرح نبوده است؛ ولی در برخی گزارش‌ها آمده است که برخی کسان با حضرت همکاری داشته‌اند. شاید این همکاری، کاری همچون آماده کردن و مرتب ساختن دست‌نوشته‌ها بوده است و شاید ادعای برخی کسان به همکاری، برای فرار از بیعت با خلیفه و پناه آوردن به خانه علی (ع) بوده است. به یکی از این گزارش‌ها، که ابوبکر احمد بن عبدالعزیز جوهری (م حدود ۳۰۰ ق) نقل کرده است، بسنده می‌کنیم. سعد بن ابی وقاص با مقداد بن اسود در خانه فاطمه گردآمده بودند که مأموران عمر به خانه یورش بردند. عمر فریاد زد: «بیرون آید و گرنه خانه را

آتش می‌زنم!» در این هنگام، زبیر با شمشیر آخته بیرون آمد و فاطمه به گونه‌ای دیگر، و گفتند: «ما در خانه به گناه مشغول نیستیم؛ گردآمده‌ایم و قرآن را در مصحفی یگانه بازمی‌نویسیم.» [۱۱۱].

به هر سان، بعید نیست که حضرت برای سامان دادن و هماهنگ کردن نوشته‌ها - نه نوشتن محتوا - از همکاری کسانی سود برده باشد؛ به‌ویژه آن که برخی روایات مدت گردآوری را سه یا شش روز دانسته‌اند.

سر نوشت مصحف امام علی

بی‌گمان، رویدادهای عهد بنی‌امیه و بنی‌عباس و فشارهایی که بر خاندان علوی وارد می‌ساختند، از ناگوارترین رویدادهای تاریخ اسلام است. این، به تنهایی می‌تواند دلیلی برای پنهان ماندن مصحف امام باشد. اما امام علی (ع)، خود نیز مدتی حکومت را در دست داشت و می‌توانست مصحف خویش را مطرح سازد تا مردم از آن، نسخه بردارند و استفاده کنند. با این حال، گزارشی از این که حضرت در دوران خلافت، مصحف را به مردم نشان داده است، در دست نیست، بلکه اخباری دیگر در دسترس است که حضرت دستور داده است به همان مصحف عثمانی بسنده کنند. [۱۱۲] حتی بنا بر روایت سلیم، امام علی (ع) به طلحه می‌گوید: «اگر به قرآنی که گرد آورده‌اند، تن در دهید، از آتش می‌رهید و به بهشت درمی‌آید.» [۱۱۳].

آیا پس از شهادت امام علی (ع) و سپری شدن دوران بنی‌امیه و بهبود وضع علویان، امامان نمی‌توانستند مصحف علی (ع) را آشکار کنند و در دسترس مردم قرار دهند و دست کم، بخشی از آن را برای استنساخ در اختیار دیگران قرار دهند؟

چنان که گذشت، مصحف امام تنها کلام الهی نبوده تا فقدانش به هدف راستین نزول قرآن آسیب رساند و کوشش‌های پیامبر گرامی (ص) را بر باد دهد و نابودی دین را در پی آورد. آن چه حضرت نوشته بود، افزون بر قرآن، عبارت از تأویل‌ها، تفسیرها، بیان شأن نزول‌ها، ناسخ‌ها و منسوخ‌ها بود. حضرت می‌دانست اگر در دوران خلافت مصحف را در اختیار دیگران قرار دهد، چه بسا در آن تصرف کنند و به خواست خود تغییرش دهند؛ چنان که بسیاری از روایات پیامبر را چنین کردند. [۱۱۴] وانگهی، بیم آن می‌رفت که پس از شهادت امام، در اختیار داشتن مصحف برای اصحاب مایه گرفتاری شود. حضرت با دوراندیشی برنامه پس از رحلت خویش را تنظیم کرده و فرمان داده بود او را مخفیانه دفن کنند و جای قبرش را آشکار ن سازند [۱۱۵] تا دشمنان نتوانند به کاری ناشایست دست زنند. بی‌گمان، نوشته‌ها و آثار معنوی و علمی امام با خطری بیش‌تر روبه‌رو بودند و پنهان ساختن آن‌ها، راهی کارساز برای رویارویی با خطر به شمار می‌رفت.

نکته دیگر آن که دشمنان علی (ع)، تنها از گذر بر ساختن فضیلت و منقبت برای دشمنان، با آن حضرت به ستیز بر نمی‌خاستند، بلکه گاه سخنانش را تحریف می‌کردند و بدین وسیله هدف خویش را پی می‌جستند. ابراهیم بن ابی محمود می‌گوید: به حضرت امام رضا (ع) گفتم: ما اخباری در فضایل امیرمؤمنان و شما از دشمنان می‌شنویم که از شما نمی‌شنویم. آیا این اخبار را بپذیریم؟ فرمود: «ای پسر ابی محمود، دشمنان، اخباری را در فضایل ما بر ساخته‌اند که بر سه دسته‌اند: اخباری که گزاف و زیاده‌گویی است؛ اخباری که از سر کوتاهی در حق ما است و اخباری که مشتمل بر تصریح به طعن و مذمت دشمنان ما است.» [۱۱۶].

از این روایت به خوبی در می‌یابیم که دشمنان، بسیار پیچیده عمل می‌کرده‌اند؛ گاه اخباری را به ظاهر برای بیان فضیلت‌های امامان برمی‌ساخته‌اند، ولی در حقیقت می‌خواسته‌اند جایگاهشان را در پیش مردم فرو آورند و باور عمومی را تغییر دهند. درباره ابوالخطاب محمد بن ابی‌زینب نقل است که کتاب‌های اصحاب امام صادق (ع) را می‌گرفت تا رونویسی کند. آن گاه اخباری برمی‌ساخت و به کتاب راه می‌داد و نسخه‌هایی چند تکثیر می‌کرد و میان مردم منتشر می‌ساخت. [۱۱۷].

برخی روایات حاکی از آنند که امام علی (ع) گفته است که مردمان، تنها با حضور امام معصوم می‌توانند از کتاب او بهره‌برند: «چونان که قرآن از عترت جدایی ناپذیر است، از مصحف من نیز تنها با حضور عترت می‌توانند سود برند.» [۱۱۸] از این جا می‌توان

به راز اصرار اهل بیت (ع) بر حفظ اسرار و آثار و دستور به تقیه و مواظبت بر نقل روایات پی برد. چنان‌که امامان هر آن احتمال می‌داده‌اند که مأموران حکومت به خانه آنان یورش برده و نوشته‌های خود و پدرانشان را تاراج کنند، ناچار می‌گشتند از خانه دیگران برای پنهان ساختن نوشته‌ها سود جسته یا آن‌ها را در زمین دفن کنند.

ابی‌الصباح کنانی می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم: از پیامبر در حق امام علی (ع) رسیده است: انتّ اخی و صاحبی و صفتی و وصیی و خالصی من اهل بیتی و خلیفتی فی امتی. فرمود: «آری، چنین روایتی هست و هذا مکتوبٌ عندی فی کتابِ عَلِيٍّ. اما این کتاب را از ترس مأموران دفن کرده‌ام.» [۱۱۹] همچنین معلی بن خنيس از امام صادق (ع) نقل می‌کند که کتاب‌های امام علی (ع) در پیش خود آن حضرت در مدینه بوده و هنگام هجرت به عراق آن‌ها را پیش ام سلمه به امانت گذاشته است. [۱۲۰].

مشابه این تعبیرات درباره ائمه دیگر، به‌ویژه حسنین (ع)، بسیار رسیده است؛ مثلاً درباره این دو آمده که آنان برای حفظ میراث پیامبر این نوشته‌ها را در اختیار ام سلمه قرار دادند. [۱۲۱] این نگرانی میان اصحاب و یاران حضرت نیز بوده است و آنان همواره بیم داشته‌اند که روزی دچار عقوبت دشمنان اهل بیت (ع) شوند. نمونه‌ای از آنان، رُشید هجری است که دست و پای و زبانش را به دلیل هواخواهی از علی (ع) می‌برند [۱۲۲] و نیز میثم تمار که به گونه‌ای بسیار فجیع به قتل می‌رسد. [۱۲۳] نیز نقل است که کمیل بن زیاد را حجاج می‌کشد [۱۲۴] و حجر بن عدی کندی (م ۵۱ ق) به دستور معاویه، در مرج عذرا، با شماری از شیعیان علی (ع) کشته می‌شود [۱۲۵] و افرادی دیگر شکنجه می‌شوند یا به قتل می‌رسند. نگاه به زندگی و رنج‌های چنین کسانی به ما نشان می‌دهد که شرایط روزگار پس از امام علی (ع) چقدر دشوار بوده و یاران و هواخواهان حضرت چقدر در فشار و رنج بوده‌اند و نمی‌توانسته‌اند از امام خویش به راحتی حدیث و روایت نقل کنند.

فشارها و حساسیت‌ها برای اصحاب دیگر امامان نیز ادامه یافت و آنان نیز همواره در هراس بودند. در تاریخ آمده است که در اثر چنین وضعیتی، آثار و روایات بسیاری از امامان و صحابه آنان از دست رفته است. درباره محمد بن ابی‌عمیر نقل است که چون او را گرفتند و به زندان انداختند، خواهرش از ترس این‌که مبادا روایات امامان و نام‌راویان به دست مأموران افتد، آن‌ها را در زمین دفن کرد و در نتیجه، نوشته‌های بسیاری از او نابود شدند و تنها چهل جلد از آن‌ها بر جای ماند. [۱۲۶].

چنان‌که گذشت، مصحف امام علی (ع) در آغاز روزگار خلافت، با بی‌اعتنایی روبه‌رو شد. خلافت امام علی (ع) نیز همواره در معرض طوفان فتنه‌ها و جنگ‌ها بود و از این‌رو، آثار مکتوب حضرت، زمینه عرضه و استفاده عمومی نیافتند. پس از شهادت امام، این وضعیت سخت و سخت‌تر شد و بنی‌امیه، علویان را در تنگنا و سختی انداختند. پنهان ماندن مصحف امام را باید معلول شرایط اجتماعی و سیاسی آن روزگار دانست که امام و فرزندانش نتوانستند مصحف را برای بهره‌برداری به دیگران بسپارند. البته حضرت دارای برخی نوشته‌های دیگر نیز بوده که نمی‌خواست است آن‌ها را در دسترس دیگر مردم بگذارد. در این نوشته‌ها، آن دسته از اسرار علوم آمده بود که ویژه امامان است. اما بی‌گمان، مصحف امام از چنین نوشته‌هایی نبوده است.

امام علی (ع) و دیگر امامان اهل بیت (ع) به جای این‌که متن مصحف را به اصحاب واگذارند، به نقل احادیث مصحف و کتاب علی (ع) همت گماردند و روایاتی را مناسب با پرسش‌های اصحاب یا در ضمن بیان احکام و تفسیر آیات و شأن نزول آن‌ها نقل می‌کردند. [۱۲۷] اما متن کامل این کتاب چه شده و در اختیار چه کسی است؟ از برخی روایات دریافته می‌شود که اصل کتاب در اختیار امامان بوده و دست به دست می‌گشته تا به حضرت ولی عصر (عج) رسیده و هم اکنون در دست او است. [۱۲۸].

در جستجوی مصحف امام علی

با این‌که به علت‌هایی که گذشت، مصحف امام علی (ع) از دسترس پنهان شد، یاران و علاقه‌مندان آن امام همام (ع) همواره در پی آن بودند. ابن سیرین در این باره می‌گوید: «در جست‌وجوی کتاب برآمدم و نامه‌ای به مدینه نوشتم و از دیگران برای یافتنش یاری

خواستیم، اما به آن دست نیافتیم.» [۱۲۹] ابن ندیم می‌گوید: «مصحف نزد آل جعفر بود و آن را نزد ابویعلی حمزه حسنی دیدم که پاره‌ای از صفحه‌هایش از میان رفته بود و به خط امام بود.» [۱۳۰].

رامیار بر آن است که چون ابن ندیم الفهرست را حدود ۳۷۷ ق تألیف کرده است، آشکار می‌شود که نسخه‌ای از مصحف تا اواخر قرن چهارم نزد بنی حسن بوده است. [۱۳۱] اما معلوم نیست تشخیص ابن ندیم و آل حسن در این باره که خط از آن امیرمؤمنان (ع) و نوشته یادشده همان مصحف بوده، درست باشد. چه بسا مصاحفی که منسوب به امام است، ولی در صحت این انتساب تردیدهای بسیار موجود است. [۱۳۲].

مصحف‌های منسوب به امام علی

در برخی کتابخانه‌ها و موزه‌ها مصحف‌هایی به چشم می‌آیند که برخی می‌گویند نویسنده آن‌ها امام علی (ع) است و یا در حاشیه آن‌ها آمده است که به خط علی بن ابی‌طالب است. چنین انتساب‌هایی ویژه امام نیست، بلکه درباره دیگران - از امام حسن مجتبی (ع) و امام رضا (ع) گرفته تا خلفای راشدین - نقل شده‌اند. مثلاً ابن بطوطه (م ۷۷۹ ق) در رحله خویش در گزارشی از سفر بصره می‌نویسد: «در مسجد علی، مصحفی دیدم که عثمان هنگام کشته شدن قرائت می‌کرده و آثار خون در صفحه‌ای از آن یافت می‌شد و بر آیه فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ، [۱۳۳] خون چکیده بود.» [۱۳۴] جالب این است که ابن جزری (م ۸۳۳ ق) و ابن فضل‌الله عمری، همین داستان را در مورد مصحف شامی نقل می‌کنند. ابن جزری مصحفی در مصر دیده است که عثمان مشغول خواندن آیه بالا از آن بوده و در این حال کشته شده و خونس به صفحه ریخته است. [۱۳۵].

در خزائن الآثار مسجد حسینی قاهره نیز مصحفی هست معروف به مصحف عثمانی که می‌گویند از مصاحف امام (گردآوری عهد عثمان) است. اما زرقانی در صحت این ادعا تردید می‌کند و آن را از نظر فنی درست نمی‌داند و می‌گوید: «ترئیحات هنری و علامات و تقسیم‌بندی سوره‌ها و آیه‌ها (که بعدها پس از عهد حجاج، رفته رفته، پای گرفته‌اند) با ویژگی‌های مصحف عثمانی سازگار نیستند؛ زیرا مصاحف عثمانی دارای این علامت‌ها نبوده‌اند.» [۱۳۶].

همچنین، زرقانی از مصحفی از امام علی (ع) در این خزانه یاد می‌کند که بر آن نوشته شده است: «کتابه بخره»؛ آن‌گاه توضیح می‌دهد: «خط این مصحف از نوع خط کوفی قدیم است؛ با این تفاوت که نسخه از نظر حجم، از نسخه مصحف عثمانی کوچک‌تر است و جاهای خالی‌اش کم‌تر و رسمش موافق با رسم الخط غیر مدنی و غیر شامی. از این رو، محتمل است که خط امام علی (ع) باشد یا در کوفه دستور به کتابتش داده باشد.» [۱۳۷].

از این نقل‌ها درباره مصاحف، بسیار است. [۱۳۸] برای این که از حجم مصحف‌های منسوب به امام علی (ع) آگاه شویم، نمونه‌ای از گزارش‌ها را از نظر می‌گذرانیم و سپس آن‌ها را به نقد و ارزیابی می‌نهمیم.

۱. از آن‌چه ابن ندیم گفته است، می‌توان دریافت که او دو گونه مصحف دیده است: مصحفی که حضرت آن را گردآورده و در نزد آل جعفر است (و البته آن را ندیده)؛ و مصحفی که شماری از صفحه‌هایش به مرور زمان از میان رفته و نزد ابویعلی حمزه حسنی بوده است. حتی ابن ندیم خبر می‌دهد که این نسخه به خط علی بن ابی‌طالب بوده است. [۱۳۹].

۲. مقریزی خبر می‌دهد که در سال ۵۱۶ ق، مأمون بطاحی، وزیر فاطمی، مصحفی را در جامعه مصری زراندد کرده است که گفته‌اند به خط علی (ع) بوده است. [۱۴۰].

۳. جمال‌الدین داوودی (م ۸۲۸ ق)، از مصحف‌هایی چند خبر می‌دهد که به خط علی (ع) بوده است. [۱۴۱].

۴. در موزه آستان قدس رضوی، مصحفی منسوب به امام علی (ع) است (قرآن شماره ۶)، که از آغاز سوره هود تا آخر سوره کهف و به خط کوفی است و بر پوست آهو نوشته شده است. در پایانش نوشته شده است: «کتابه علی بن ابی‌طالب فی سنه اربعین.» این

قرآن را شاه عباس صفوی وقف کرده و مهم‌تر آن که شیخ بهایی در جمادی الاول ۱۰۰۸ تأیید کرده است که خط، از سید الاوصیاء، حجة الله علی اهل الارض والسماء است. [۱۴۲].

شبهه‌ها و اشکال‌ها

درباره مصحف امام شبهه‌ها و اشکال‌هایی مطرح است. برخی از شبهه‌های روایی مربوط به بحث را در مبحث اثبات وجود مصحف امام و ویژگی‌های آن باز گفتیم و بدان‌ها پاسخ دادیم، اما برخی شبهه‌ها از گونه تاریخی و کلامی‌اند که اینک به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

۱. وقتی مصحف در روزگار ما نایاب است و در دسترس نیست، چه سودی دارد که درباره‌اش سخن گوئیم؟ هدف پژوهش‌گران مسائل تاریخی، کشف مجهولات تاریخ و افزودن بر آگاهی‌های تاریخی است و پژوهش و تفحص درباره مصحف امام، بر آگاهی‌های تاریخی و فرهنگی ما می‌افزاید و به روشن شدن دسته‌ای از مسائل تاریخی - مانند سیر کتابت در جهان اسلام و آغاز تدوین تفسیر - کمک می‌کند؛ به‌ویژه اگر درباره کتابی تحقیق کنیم که مربوط به امام علی (ع) است و درباره‌اش نظریه‌هایی گوناگون باز گفته باشند و حقیقت در پرده‌ای از ابهام و تاریکی جای گرفته باشد.

ارزشمندترین سود پژوهش درباره مصحف امام، روشن شدن زوایای تاریخ جمع قرآن است؛ این که گردآوری قرآن در روزگار پیامبر بوده یا پس از آن، نخستین گردآورنده که بوده و چه انگیزه‌ای داشته است و حضرت علی (ع) در این باره چه کرده است و در برابر، خلفا با چه انگیزه‌ای به جمع قرآن پرداخته‌اند. دیگر آن که مصحف امام علی (ع) منشأ پرسش‌هایی درباره مصحف عثمانی شده است و چنان که توضیح خواهیم داد، برخی کسان بر شیعه تاخته‌اند و گفته‌اند: شیعیان معتقدند قرآن تحریف شده است؛ زیرا به مصحفی جز مصحف کنونی ایمان دارند. روشن شدن موضوع مصحف امام علی (ع) به رفع این شبهه‌ها کمک می‌کند و موضع اهل بیت (ع) را درباره قرآن آشکار می‌سازد.

۲. گزارش‌هایی درباره مصحف در دست است که با نقل متواتر قرآن ناسازگارند؛ به‌ویژه اخباری که گونه‌ای اختلاف در مضمون قرائت‌ها را مطرح می‌سازند. با توضیحاتی که درباره مصحف امام به دست دادیم، منافاتی میان مصحف امام و تواتر قرآن بر جای نمی‌ماند. درست است که اخبار مصحف امام از نظر سندی دارای جایگاه استواری همچون نقل قرآن نیستند، اما چون منابع گوناگون و تعبیرهایی مختلف از آن گزارش داده‌اند، گونه‌ای اطمینان به صحت و واقعیت گزارش‌ها حاصل می‌گردد.

آن‌چه در باب اختلاف قرائت‌ها نقل شده است - بر فرض صحت منقولات - با تواتر قرآن ناسازگار نیست؛ زیرا اصل قرآن قطعی است، اما قرائت‌های قرآن متواتر نیستند [۱۴۳] و از این رو، اگر در روایتی، قرائتی بر خلاف قرائت رایج مطرح گردد، تنها قرائتی خواهد بود در کنار دیگر قرائت‌ها. آن‌گاه که در باب کلمات قرآن از هفت تا چهارده قرائت نقل شده است و هیچ یک از معصوم به تواتر نرسیده است، چگونه می‌توان نقل خبری درباره یکی از قرائت‌ها را مخالف قرآن دانست؟ از سوی دیگر، آن‌چه از مجموع منقولات تردیدناپذیر شمرده شده است، اصل وجود مصحف امام علی (ع) است؛ اما کم و کیف آن باید بر معیار قبول خبر ارزیابی شود. بدین رو، به صرف نقل خبری درباره قرائتی، نمی‌توان از قرائت مشهور دست کشید.

۳. برخی اخبار مصحف حکایت از تحریف قرآن دارند و چون شیعه و سنی بر مصونیت قرآن از تحریف یگانه‌اند، باید در وجود مصحف تردید کرد. به نظر می‌رسد مهم‌ترین شبهه‌ای که درباره مصحف امام مطرح است، همین باشد. این شبهه دو سویه دارد:

۱. شماری از محدثان قائل به تحریف، با پذیرفتن برخی روایات ناظر به مصحف امام، قائل به تحریف شده‌اند. میرزای نوری در کتاب فصل الخطاب فی اثبات تحریف کتاب رب الارباب، دلیل چهارم بر تحریف را وجود قرآن امیرمؤمنان دانسته و گفته است: «این قرآن، هم از نظر ترتیب با مصحف کنونی تفاوت دارد و هم در آن مطالبی است که از احادیث قدسیه محسوب نمی‌شود.»

[۱۴۴] در دلیل یازدهم نیز روایاتی را می‌آورد که بنا بر مفاد آن‌ها، مصحف امام تفاوت کمی با مصحف موجود دارد؛ از آن جمله می‌گوید: «در کتاب سُلیم بن قیس آمده که در مصحف علی (ع) هجده هزار آیه است.» [۱۴۵] یا «در خبر سالم بن ابی‌سالمه آمده است که هنگامی که قائم ما قیام کند، مصحفی را که علی (ع) نوشته درخواهد آورد که قرائتش با قرائت این مصحف تفاوت دارد.» [۱۴۶].

۲. این شبهه از سوی کسانی است که به داعیان و راویان مدعی چنین مصحفی حمله کرده و این فکر را از سوی سبئی دانسته و گفته‌اند: «ریشه پیدایش اندیشه مصحف امام علی (ع)، توسط سبئی (گروه عبدالله بن سبأ)؛ یعنی کسانی که به الوهیت علی (ع) قائل بوده‌اند، مطرح شده است.» [۱۴۷] جالب این است که مسئله وجود مصحف را با بحث نخستین گردآورنده قرآن پیوند زده و گفته‌اند: «نخستین کسی که این موضوع را در کتابش مطرح کرده، سُلیم بن قیس است.» [۱۴۸].

اکنون در چند بند به شبهه پاسخ می‌دهیم و نادرستی‌اش را آشکار می‌کنیم:

خبری که محمد صالح مازندرانی از کتاب سلیم بن قیس نقل کرده است، به هیچ وجه در نسخه‌های تصحیح شده این کتاب موجود نیست. [۱۴۹] حتی در نسخه بدل‌ها نیز چنین عبارتی دیده نمی‌شود. معلوم نیست که مازندرانی این خبر را از کجا نقل کرده است که در مصحف امام علی (ع) هجده هزار آیه است. از این گذشته، مشهور است که کتاب سُلیم را نسخه‌هایی گوناگون است. آقا بزرگ تهرانی از نسخه‌های گوناگون و متفاوتی از این کتاب یاد می‌کند. [۱۵۰] بدین‌رو، با این اختلاف نسخه‌ها و دست‌بردن‌های بسیار در نسخه و شبهه‌هایی که درباره این کتاب مطرح است، استناد به چنین روایتی هرگز پذیرفتنی نیست. [۱۵۱] البته در اصول کافی، روایتی دیگر از هشام بن سالم (در برخی نسخه‌ها از هارون بن مسلم) آمده است که به روایت پیش گفته می‌نماید؛ با این تفاوت که می‌گوید: «قرآنی که جبرائیل بر پیامبر نازل کرده است، هفده هزار آیه داشته است.» [۱۵۲] ممکن است روایت کلینی با روایت سُلیم خلط شده باشد. اما این روایت، که به ظاهر از نظر سند، صحیح است و همه رجالش مورد وثوق است، از چند جهت مورد مناقشه و ناپذیرفتنی است:

اول. کلینی از طبقه نهم است و علی بن حکم، راوی کلینی، از طبقه ششم. کلینی نمی‌تواند بی‌واسطه از او روایت نقل کند. پس باید در این میان کسانی باشند که در طریق افتاده‌اند و چون معلوم نیست طریق کلینی به علی بن حکم کیانند، سند حدیث مورد خدشه جدی است. [۱۵۳].

دوم. علی بن حکم نابینا بوده و از کسانی بسیار حدیث شنیده و به حافظه سپرده و از دیگران خواسته در دفترش بنویسند. مطمئن نیستیم که هر آنچه او شنیده است، به کتابش راه یافته باشد؛ زیرا در عهد امام صادق (ع) کسانی مانند سعید بن مغیره و ابوالخطاب نسخه‌نویسی می‌کردند و مطالبی را به نام امام باقر (ع) و امام صادق (ع) برمی‌ساختند. بسیار محتمل است این خیرسازان دروغ‌نویس، نسخه علی بن حکم را به دلخواه تغییر داده باشند. از این موارد در تاریخ فراوان دیده شده است؛ مثلاً یونس بن عبدالرحمان آنچه را از کتاب‌های اصحاب امام صادق (ع) رونویسی کرده بود، با دل‌نگرانی به امام رضا (ع) عرضه می‌کند و آن حضرت حدیث‌های جعلی را مشخص می‌سازد و نشان می‌دهد. [۱۵۴].

آنچه مرحوم کلینی نقل کرده است، بسان روایتی است که عامه از ابی بن کعب نقل کرده‌اند که «سوره احزاب که اینک ۷۳ آیه است، در حقیقت، به اندازه سوره بقره [یعنی ۲۸۶ آیه] بوده است.» [۱۵۵] همچنین از عبدالله بن عمر نقل کرده‌اند که «هیچ کس نباید بگوید: من همه قرآن را آموخته‌ام؛ زیرا کسی از قرآن خبر ندارد. بخشی بسیار از قرآن از میان رفته است.» [۱۵۶] روایاتی دیگر نیز از طرق عامه نقل شده‌اند که جایگاه رفیع این کتاب آسمانی را فرو می‌آورند و آن را کتابی تحریف شده معرفی می‌کنند که البته دارای ارزش تاریخی و علمی نیستند. [۱۵۷].

سوم. در برخی نسخه‌های الکافی، عدد «عشر» نیامده است؛ (یعنی سبعة عشر آلف)، و بدین‌سان، شمار آیات قرآن هفت هزار

(سبعه آلاف) می‌شود. تعبیر تخمینی آیات قرآن از ۶۲۳۶ آیه به هفت هزار غیر طبیعی نیست؛ [۱۵۸] زیرا معمول است که به جای عدد شکسته از عدد سر راست سود برند.

چهارم. در روایت الکافی نیامده است که شمار آیات در مصحف امام این مقدار بوده است تا بتوان بر مصحف خرده گرفت. آنچه میرزای نوری، به نقل از مازندرانی، از کتاب سلیم نقل کرده است، ناظر به مصحف امام علی (ع) است که گفتیم چنین عبارتی در کتاب سلیم نیست و کتاب الکافی، ناظر به کتاب امام نیست.

پنجم. محقق کتاب الکافی در پانوشت درباره حدیث یادشده گفته است که شاید اختلاف در شمار آیات از ناحیه چگونگی تقسیم‌بندی آیات است نه این که قرآن کم و زیاد شده باشد. [۱۵۹].

ششم. هیچ‌یک از اصحاب، در عمل، به این روایات توجه نکرده‌اند و آن‌ها را به عنوان اخبار شاذ و نادر یاد کرده‌اند. [۱۶۰].

پاورقی

[۱] فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ج ۳، ص ۱۲۰.

[۲] جوهری، صحاح اللغه، ج ۴، ص ۱۳۸.

[۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۸۶۳ و ۶۶۵ و ۶۵۶ و ۶۲۵ و ۵۸۱.

[۴] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰.

[۵] صدوق، التوحید، ص ۷۳.

[۶] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۸.

[۷] ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۴۲۰.

[۸] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۳۶.

[۹] ر.ک: سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۰] ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰.

[۱۱] کحاله، عمر رضا، معجم المؤلفین، ج ۱۰، ص ۵۹.

[۱۲] ابن حجر، فتح الباری، ج ۹، ص ۱۳.

[۱۳] سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

[۱۴] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۳۵ و ۲۲ و ۲۱؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق (ترجمه الامام علی)، ص ۲۸.

[۱۵] شهید ثانی «مضطرب الحدیث» را با «لین الحدیث» یکی گرفته، می‌نویسد: «ای يتساهل فی روايته عن غیر الثقه». ر.ک: شهید ثانی، الرعايه فی علم الدرایه، ص ۲۰۹.

[۱۶] یعقوبی، احمد بن ابی‌یعقوب، تاریخ یعقوبی، ترجمه ابراهیم آیتی، ج ۲، ص ۱۵.

[۱۷] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج ۴ (اوائل المقالات)، ص ۸۱.

[۱۸] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج ۱، ص ۷۹؛ عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۸۹.

ح ۴۶. گویا مفاد حدیث این باشد که ترتیب آیات بر اساس نزول، مطلب را روشن می‌کرد؛ هر چند نام اشخاص برده نشده باشد.

[۱۹] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۰. البته به چنین مطلبی در تفسیر القرآن العظیم دست نیافتیم.

[۲۰] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۷.

[۲۱] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۶.

[۲۲] جزی، محمد بن احمد الکلبی، التسهیل لعلوم التنزیل، ج ۱، ص ۷.

[۲۳] فیض کاشانی، محسن، تفسیرالصادقی، ج ۱، ص ۴۷.

[۲۴] زنجانی، ابوعبدالله، تاریخ القرآن، ص ۷۶.

[۲۵] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، ص ۲۲۲.

[۲۶] عسکری، سید مرتضی، القرآن و روایات المدرستین، ج ۳، ص ۲۰۰.

[۲۷] عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامه حول القرآن الکریم، ص ۱۵۲ - ۱۷۲.

[۲۸] ابن خطیب، الفرقان، ص ۴۷.

[۲۹] آل غازی، ملا حویش، بیان المعانی، ج ۱، ص ۴.

[۳۰] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیرالقرآن، ص ۲۲۲.

[۳۱] عاملی، سید جعفر مرتضی، حقائق هامه، ص ۱۵۲.

[۳۲] منابع شیعی این احادیث، عمدتاً کتاب سلیم بن قیس هلالی، بصائر الدرجات، از محمد بن حسن صفار (م ۲۹۰ ق)، تفسیر منسوب به علی بن ابراهیم قمی (م ۳۲۰ ق)، تفسیر العیاشی، از محمد بن مسعود بن عیاش (م ۳۲۰ ق)، اثبات الوصیه، منسوب به علی بن حسین مسعودی (م ۳۴۶ ق)، التوحید، صدوق (م ۳۸۱ ق) و مناقب ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸ ق) است. این کتاب‌ها هر یک به گونه‌ای ضعف سندی و مشکلات استنادی دارند. در این زمینه، دو دسته اشکال به طور مشخص مطرح است: یکی در صحت انتساب این کتاب‌ها به مؤلفان آنها است؛ مثلاً در مورد تفسیر علی بن ابراهیم یقیناً می‌دانیم که این کتاب از آن علی بن ابراهیم نیست (ر.ک: ایازی، سید محمدعلی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، ص ۳۳۰). در مورد بصائر الدرجات نیز نمی‌دانیم کتابی که هم اکنون در اختیار ما است، همان کتاب محمد بن صفار باشد. چون طریق متقن - مانند کتب اربعه - برای اتصال سندی به مؤلف ندارد تا از طریق اجازه و تداول عام به مؤلف منتهی شود و او صحت آن را تأیید کند. از آن‌جا که در گذشته معمول بوده که صحافان و وراقان در کتاب دست می‌بردند یا مستنسخان به لحاظ گرایش‌های فکری و مذهبی روایات را تغییر می‌دادند، چنین اطمینانی برای عدم تصرف و اتصال آن‌ها به مؤلف وجود ندارد. ر.ک: شوشتری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۱۳۱. در مورد برخی دیگر از این کتاب‌ها مشکل ارسال سندی وجود دارد؛ مانند تفسیر العیاشی که استنساخ‌گر، اسناد روایات را حذف کرده و طریق خبر مشخص نیست. انتساب اثبات الوصیه به مسعودی و طریق او معلوم نیست. مناقب ابن شهر آشوب، طریق روایات خود را مشخص نمی‌کند و به این جهت مشکل مربوط به راویان هم دارد؛ مانند ابان بن ابی عیاش (م ۱۳۸ ق) در طریق کتاب سلیم بن قیس که در رجال ضعیف خوانده شده است. ر.ک: کتاب سلیم، ج ۱، ص ۱۵۷-۲۳۴، به ویژه صفحه ۲۱۶ درباره ابان. به این جهت، بحث ما در استناد به این روایات، با صرف نظر از مباحث سندی و رجالی است.

[۳۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۸۱.

[۳۴] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۵۶.

[۳۵] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۶۲۵.

[۳۶] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم، ج ۲، ص ۵۸۱ و ۶۵۷.

[۳۷] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۵۰.

[۳۸] ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۱۵۰.

[۳۹] حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷.

[۴۰] حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۷.

- [۴۱] قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، ص ۴۵۵.
- [۴۲] ابن ضریس، فضائل القرآن، ص ۳۶.
- [۴۳] صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۱۹۳.
- [۴۴] ابن ندیم الفهرست، ص ۳۰.
- [۴۵] عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، ج ۳، ص ۷۰.
- [۴۶] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۲۳۱.
- [۴۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۶.
- [۴۸] مفید، محمد بن محمد بن نعمان، مصنفات الشیخ المفید، ج ۴، ص ۸۱.
- [۴۹] فیض کاشانی، محسن، تفسیر الصافی، ج ۱، ص ۴۷.
- [۵۰] زنجانی، ابو عبدالله، تاریخ القرآن، ص ۷۶.
- [۵۱] خویی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۲۲.
- [۵۲] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۵۸۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۰.
- [۵۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص ۵۸۲.
- [۵۴] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ص ۶۵۷؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۴۱.
- [۵۵] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۳۳.
- [۵۶] ر.ک: زرکشی، بدرالدین، البرهان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۶.
- [۵۷] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۳۵.
- [۵۸] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۳۷.
- [۵۹] بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، ج ۳، ص ۲۲۶.
- [۶۰] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۲.
- [۶۱] همان، ح ۱.
- [۶۲] همان، ح ۳؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۴۳.
- [۶۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۴.
- [۶۴] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱، ح ۵.
- [۶۵] ر.ک: عاملی، اکرم برکات، حقیقه مصحف فاطمه عند الشیعه.
- [۶۶] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۲، ح ۷۱.
- [۶۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۵.
- [۶۸] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۴۳.
- [۶۹] قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص ۲۳.
- [۷۰] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۱۴۳.
- [۷۱] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۱۶۶.
- [۷۲] به عنوان نمونه به روایت صفحات ۱۶۶ و ۱۶۵ و ۱۴۷ مراجعه کنید.
- [۷۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۳۹؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ص ۱۴۳.

- [۷۴] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۵.
- [۷۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱.
- [۷۶] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.
- [۷۷] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۳.
- [۷۸] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱.
- [۷۹] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۸.
- [۸۰] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۰.
- [۸۱] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۴ و ۱۴۳.
- [۸۲] مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۸ و ۱۰۰.
- [۸۳] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۵؛ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۵.
- [۸۴] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۲ و ۲۴۰؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۱ و ۱۵۷.
- [۸۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۱، ص ۲۴۱. در روایت آمده: «مثل فخذ الفالج».
- [۸۶] ر.ک: صدوق، معانی الاخبار، ص ۳۷۹، ح ۳. روایت چنین است: «کانت معلقة فی ذوابة السیف او قرابه».
- [۸۷] مصطفی قصیر این نظریه را نقل می کند، اما قائل آن را مشخص نمی سازد. ر.ک: قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص ۵۷.
- [۸۸] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.
- [۸۹] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.
- [۹۰] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۰.
- [۹۱] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.
- [۹۲] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۷.
- [۹۳] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۷.
- [۹۴] حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۱۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۶، ص ۲۱۹؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۹، ص ۲.
- [۹۵] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۶۲.
- [۹۶] مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، ج ۹، ص ۱۴۳.
- [۹۷] پیش تر، منابع این روایات را آورده ایم.
- [۹۸] مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۳۷؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۴۱.
- [۹۹] محدثین اهل سنت، به ویژه شارحان صحیح بخاری، مانند نووی و ابن حجر عسقلانی و عینی، این اخبار را مستمسک کرده، روایات دیگری را که از طریق اهل سنت درباره علوم علی (ع) و اهل بیت رسیده، مورد هجوم قرار داده اند و شیعه را از این جهت برای نقل این روایات ملامت کرده اند. ر.ک: قصیر عاملی، مصطفی، کتاب علی و التدوین المبکر، ص ۵۶ - ۶۳.
- [۱۰۰] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۲۴۱: «صحیفه طولها سبعون ذراعاً فی عرض الأدم مثل فخذ الفالج».
- [۱۰۱] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۵۷.

[۱۰۲] صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۴۴.

[۱۰۳] ر.ک: همان، ص ۱۶۱ و ۱۶۰ و ۱۴۳ و ۱۴۲.

[۱۰۴] خطیب بغدادی، تقی‌العلم، ص ۳۴ و ۳۳، به نقل از رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۴۰۱.

[۱۰۵] ر.ک: جولد تسیر [گلدزیهر] اجنتس، مذاهب التفسیر الاسلامی، ترجمه عبدالعلیم نجار، ص ۱۶.

[۱۰۶] ر.ک: معرفت، محمد هادی، صیانة القرآن من التحریف، ص ۲۱۱ - ۲۲۰.

[۱۰۷] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۰.

[۱۰۸] شهرستانی، عبدالکریم، مفاتیح الاسرار و مصابیح الانوار، ج ۱، ص ۱۲۱.

[۱۰۹] حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۳۸.

[۱۱۰] صدوق، کمال‌الدین، ج ۱، ص ۴۰۱؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۹۹.

[۱۱۱] ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۵۶.

[۱۱۲] ر.ک: مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۸ و ۷۴؛ صفار قمی، محمد بن حسن، بصائرالدرجات، ص ۱۹۳.

[۱۱۳] هلالی، سلیم بن قیس، کتاب سلیم بن قیس، ج ۲، ص ۶۵۹.

[۱۱۴] درباره چگونگی برخورد با حدیث نبوی، ر.ک: ابوریه، محمود، اضواء علی السنة‌المحمدیه، ص ۱۲۱.

[۱۱۵] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۲۱۴، ح ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۹ و ۳۰ و ۳۳؛ مفید، الارشاد، ص ۱۰.

[۱۱۶] صدوق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۳۰۴، ح ۶۳.

[۱۱۷] طوسی، اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)، ص ۲۲۴. درباره روایات ابوالخطاب و مذمت او از سوی امام صادق (ع)، ر.ک:

همان، ص ۲۹۴ - ۲۹۵.

[۱۱۸] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۰۸؛ مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، ص ۱۲۱ - ۱۲۲.

[۱۱۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۵۳ و ۵۲.

[۱۲۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۵۰.

[۱۲۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۲۰۷.

[۱۲۲] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۲۱ و ۱۳۸.

[۱۲۳] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ص ۱۲۷ و ۱۳۸.

[۱۲۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ص ۱۶۳؛ محدث قمی، عباس، سفینه البحار، ج ۴، ص ۲۶۴.

[۱۲۵] محدث قمی، عباس، الکنی واللقاب، ج ۱، ص ۳۰۴.

[۱۲۶] تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۸، ص ۵.

[۱۲۷] قبانچی در کتاب مسند الامام علی، عمده مطالب جلد اول و دوم را به روایاتی اختصاص داده که از حضرت در باب قرآن نقل

شده است. حجم این روایات، گویای نقل گسترده ائمه (ع) از حضرت در باب تفسیر است؛ گرچه برای ما روشن نیست که ائمه

(ع) چقدر در باب تفسیر قرآن سخن گفته‌اند، و آنچه برای قضاوت به ما رسیده همین مقدار است. البته باید در کنار این روایات،

روایات دیگری را که از طرق ابن عباس، حسن بصری، ابن جبیر و دیگران نقل شده و صریحاً نام حضرت در آنها نیامده است، اما

شواهد گویای آن است که از اهل بیت (ع) باشند، به حساب آورد.

[۱۲۸] الکافی، ج ۲، ص ۴۶۲.

[۱۲۹] سیوطی، جلال‌الدین، الاتقان، ج ۱، ص ۲۰۴.

- [۱۳۰] ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰.
- [۱۳۱] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۷۴.
- [۱۳۲] ر.ک: همان، ص ۳۷۵ - ۳۷۷.
- [۱۳۳] بقره، آیه ۱۳۷.
- [۱۳۴] ابن بطوطه، رحله، ج ۱، ص ۵۴؛ ابن کثیر، فضائل القرآن، ص ۵۱.
- [۱۳۵] رومی، فهد، دراسات فی علوم القرآن، ص ۹۵.
- [۱۳۶] زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۳.
- [۱۳۷] زرقانی، مناهل العرفان، ج ۱، ص ۴۰۳.
- [۱۳۸] ر.ک: صبحی صالح، مباحث فی علوم القرآن، ص ۸۸.
- [۱۳۹] ابن ندیم، الفهرست، ص ۳۰.
- [۱۴۰] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۷۴، به نقل از: مقریزی، خطط، ج ۱، ص ۴۸۰.
- [۱۴۱] رامیار، محمود، تاریخ قرآن، ص ۳۷۴، به نقل از: مقریزی، خطط، ج ۱، ص ۴۸۰.
- [۱۴۲] رکنی، محمد مهدی، نامه هدایت، پیوست‌ها از صفحات ۲۶۰ به بعد.
- [۱۴۳] ر.ک: خوبی، سید ابوالقاسم، الیابان فی تفسیر القرآن، ص ۱۵۷.
- [۱۴۴] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص ۱۰۵ - ۱۲۰.
- [۱۴۵] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ص ۲۳۵، ح ۲؛ مازندرانی، ملا صالح، شرح اصول الکافی، ج ۱۱، ص ۷۶.
- [۱۴۶] محدث نوری، حسین، فصل الخطاب، ح ۳؛ مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۸۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۲، ص ۶۳۳، ح ۲۳.
- [۱۴۷] قفاری، ناصر بن عبدالله بن علی، اصول مذهب الشیعۃ الامامیه الاثنی عشریه، ج ۱، ص ۲۰۲.
- [۱۴۸] قفاری، ناصر بن عبدالله بن علی، اصول مذهب الشیعۃ الامامیه الاثنی عشریه، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۶ و ۲۲۹.
- [۱۴۹] این کتاب را محمد باقر انصاری تحقیق و نشر الهادی در سه مجلد منتشر کرده است.
- [۱۵۰] تهرانی، آقا بزرگ. الذریعۃ الی تصانیف الشیعیه، ج ۱۷، ص ۲۷۶.
- [۱۵۱] ر.ک: معرفت، محمد هادی، صیانه القرآن من التحریف، ص ۲۲۵.
- [۱۵۲] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، کتاب فضل القرآن.
- [۱۵۳] خوبی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، ج ۱۱، ص ۳۹۴؛ نجاشی، ابوالعباس، رجال النجاشی، ص ۳۳۸؛ طوسی، فهرست کتب الشیعۃ و اصولهم، ص ۲۶۴.
- [۱۵۴] تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۵۰۰. به همین دلیل رجالیون برخی از طرق حدیثی یونس را معلول و دارای مشکل دانسته‌اند؛ مثل طریق محمد بن عیسی. ر.ک: اردبیلی، جامع الرواه، ج ۲، ص ۳۵۷.
- [۱۵۵] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۳، ص ۸۲.
- [۱۵۶] سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۳، ص ۸۲.
- [۱۵۷] تفصیل این موارد را می‌توانید در: سیوطی، جلال الدین، الاتقان، ج ۳، ص ۸۲ - ۸۵ ببینید.
- [۱۵۸] عمیدی، ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج ۲، ص ۳۴۴.
- [۱۵۹] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی فی الاصول، ج ۲، ص ۶۳۴، پاورقی شماره ۳، تحقیق علی اکبر غفاری.

[۱۶۰] عمیدی، ثامر هاشم، دفاع عن الکافی، ج ۲، ص ۳۴۴.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

